

وندالیسم در مدرسه



افشین صفرنیا

Vandalism at School

Afshin Safarnia



ISBN:978-600-95085-2-5



انتشارات پامن

به نام خدا

وندالیسم در مدرسه

نویسنده:

افشین صفرنیا

سرشناسه	:	صفرنیا، افشین، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	وندالیسم در مدرسه / نویسنده افشین صفرنیا.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات بامن: موسسه پارسا مبتکر گام اول، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	:	۹۶ ص.
شابک	:	ISBN: 978-600-95085-2-5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	تخریب در مدرسه -- ایران -- کرمانشاه -- نمونه پژوهی
موضوع	:	تخریب در مدرسه
موضوع	:	تخریب
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۳ و ۷ ص / ۳۲۴۹LB
رده بندی دیویی	:	۵۸ / ۳۷۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۷۰۵۹۱۱

عنوان کتاب	:	وندالیسم در مدرسه
تالیف و گردآوری	:	افشین صفرنیا
ناشر	:	بامن
همکار ناشر	:	مؤسسه پارسا مبتکر گام اول
مدیر مسئول	:	عباس محمد پور
مدیر اجرایی	:	محمد صدیق سپهری نیا
صفحه آرا	:	فهیمة یعقوبی
طراح جلد	:	سیده محبوبه حسینی
سال و نوبت چاپ	:	۱۳۹۳ / اول
شمارگان	:	۱۰۰۰
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۵۰۸۵-۲-۵
قیمت	:	۵۶۰۰۰ ریال
آدرس دفتر نشر	:	خیابان کمالی کوچه نقیبه کوی طالقانی پلاک ۳
آدرس دفتر مؤسسه	:	میدان انقلاب، ضلع شمال غرب میدان، جنب بانک رفاه، پلاک ۵۹، طبقه ۲، واحد شرقی

فهرست مطالب

فصل اول : کلیات و تعاریف

۹.....	مقدمه
۱۲.....	موضوع کتاب در بیان دیگران
۱۳.....	چرا این موضوع
۱۴.....	تعاریف واژه ها و اصطلاحات
۱۴.....	هوش
۱۵.....	سبک های فرزندپروری
۱۵.....	سبک مستبدانه
۱۵.....	سبک سهل گیرانه
۱۵.....	پرخاشگری و کنترل خشم
۱۵.....	وندالیسم

فصل دوم : وندالیسم

۱۹.....	مقدمه
۱۹.....	وندالیسم
۱۹.....	وندالیسم چیست
۲۰.....	تعاریف وندالیسم
۲۱.....	وندالیسم به مفهوم یک اختلال شخصیت از منظر روانشناسی
۲۲.....	رفتار ضد اجتماعی که به طور نامناسبی برانگیخته می شود
۲۹.....	وندالیسم در مفهوم آسیب شناسی
۳۳.....	وندالیسم(خرابکاری و تخریب اموال عمومی)

فصل سوم: عوامل مؤثر بر وندالیسم و نحوه برخورد با آن

۳۷.....	عوامل تأثیرگذار بر پدیده وندالیسم
۳۹.....	نحوه صحیح برخورد با وندالیسم
۴۳.....	«وندالیسم»، معضلی که افراد جامعه از آن رنج می برند
۴۴.....	آلات،ابزار و وسایل تخریب (وندالیسم)
۴۶.....	تفاوت های جنسیتی در پرخاشگری (که باعث رفتار خرابکارانه «وندالیسمی» می شود)
۴۷.....	فراوانی پرخاشگری درارتباط باتخریب گری اموال عمومی(وندالیسم)
۴۸.....	بیان رابطه پرخاشگری با وندالیسم
۵۱.....	الگوهای والدگری در ارتباط با وندالیسم

- چه می توان انجام داد تا شاهد این گونه از رفتار نباشیم ۵۳
- مدل مفهومی ارتباط روش های اجتماعی سازی ، دانش شناخت اجتماعی و شایستگی اجتماعی ۵۶
- رابطه وندالیسم با خشونت و پرخاشگری در رسانه ها ۵۷
- رابطه شیوه های فرزند پروری با « وندالیسم» ۶۰
- خانواده به عنوان منبع ارضاء نیاز به محبت و امنیت کودک ۶۰

فصل چهارم: مروری بر پژوهش های گذشته

- خارج از کشور ۶۳
- داخل کشور ۶۵

فصل پنجم : نتیجه گیری و پیشنهادها

- چند سوال و پاسخ به آن ۷۱
- پیشنهادهای کاربردی ۷۸
- منابع و مآخذ ۷۹
- منابع فارسی ۷۹
- پایان نامه ها ۸۰
- منابع انگلیسی ۸۱
- ضمائم ۸۳

تقدیم به:

تمام کسانی که امورات خویش را با خردورزی به پیش میبرند و اندیشه های آنان
از برای تمام افراد بشریت می باشد .

فصل اول :

کلیات و تعاریف

مقدمه

به منظور پی بردن به اینکه علت رفتار وندالیسمی در دانش آموزان دبیرستانی چیست؟ و چرا نوجوانان دست به تخریب و اعمال اینگونه که باعث نابود اموال عمومی می شود می پردازند و به بررسی رفتار نوجوانان با توجه به فاکتورهای فردی، خانوادگی و کنترل خشم آنان پرداخته می شود.

انسان موجودی است اجتماعی^۱ و خواسته های او در جامعه تأمین می شود و انسان برای زندگی کردن، ناگزیر از زندگی کردن در کنار دیگران و داشتن ارتباط با آنهاست. به عبارت دیگر هیچ انسانی نمی تواند بدون جامعه زندگی کند و در واقع جامعه بدون فرد و فرد بدون جامعه بی معنی است و برای اینکه انسانها بتوانند در کنار یکدیگر زندگی آرامی را تجربه کنند باید از اصول و ضوابطی خاص که تضمین کننده سعادت انسانهاست پیروی کنند به همین سبب در این همزیستی، انسانها از نحوه رفتار و کردار همدیگر بسیار تأثیر می گیرند.

ما در جامعه متأسفانه شاهد انجام اعمال وندالیسمی^۲ (خراب کارانه یا تخریب گرانه) زیادی از سوی افراد و متأسفانه بیشتر از سوی جوامع برضد جوامع دیگر نیز می باشیم اعمالی که خسارت های زیادی به افراد و جوامع وارد می کند و این خسارت ها مستلزم هزینه های زیادی می باشد. در جامعه ما شاهد کارهایی چون آسیب رساندن به مدارس، صندلی ها و در و دیوارها و غیره می باشیم. شاید تا به حال از خود پرسیده باشیم که علت این اعمال خرابکارانه چیست (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۷).

در این حوزه خاص ریشه های آن را در پرخاشگری کودکان و سبک های فرزندپروری در درون خانواده و اینکه اگر شخص این اعمال را انجام می دهد سهم متغیرهای دخیل در هر کدام به چه میزان است و اینکه آیا می توان این متغیرها را کنترل و یا در نهایت خنثی کرد یا خیر، به بحث گذاشته می شود.

۱: Social

۲: Vandalism

روانشناسان اجتماعی در مورد پرخاشگری اینگونه گفته اند که رفتار آگاهانه ای است که هدفش اعمال درد و رنج جسمانی یا روانی باشد (شکرکن، ۱۳۸۵: ۲۷۴). گروهی از صاحب نظران حوزه علوم اجتماعی معتقدند که پرخاشگری ذاتی و فطری است و گروهی دیگر آن را حاصل عوامل اجتماعی و در نتیجه آموختنی می دانند (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۱۴).

در دیدگاه زیست شناختی و غریزی، پرخاشگری غریزی و یک ویژگی زیستی انسان است (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۲۵). اما گروه دوم که معتقد به منشأ اجتماعی داشتن پرخاشگری هستند آن را غریزی و ذاتی نمی دانند به همین دلیل از لحاظ اجتماعی هم قابل آموزش است و هم قابل کنترل (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۱۸) مجموعه آزمایشات آلبرت بندورا^۳ و همکارانش نشان داد که پرخاشگری کاملاً جنبه تقلیدی دارد (شکرکن، ۱۳۸۵: ۳۰۰).

از طرف دیگر شیوه های فرزند پروری و تعاملات والدین یکی از عوامل مؤثر در ایجاد پرخاشگری و اعمال خرابکارانه به طبع می باشد. عدم ارائه محبت کافی، داشتن رابطه سرد، تبعیض میان کودکان، کتک زدن و بد رفتاری والدین با کودکان پرخاشگری را تشدید می کند (فرجاد، ۱۳۷۴: ۱۶۸-۱۶۷).

در عین حال که پرخاشگری یک رفتار مطلوب در مسیر رشد طبیعی کودک می باشد ولی اگر تحت کنترل صحیح نباشد می تواند بصورت هیجان از هم پاشیده ای درآید و در نهایت به اعمال خرابکارانه در سطح های مختلف فردی و جامعه بینجامد. اگر چه به زعم آسیب شناسان اجتماعی، همه صور و انواع نابهنجاری ها و نژندهای اجتماعی چون سرقت، قتل، قمار، قاچاق، خودکشی، فحشا، اعتیاد، الکلیسم، وندالیسم و نظایر آن، معلول سازگاری هایی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است، مع الوصف باید توجه داشت که در همه دوره های تاریخی بنا به ماهیت و طبیعت ساختارها، سازمان ها، نهادها و روابط اجتماعی در جوامع بروز و نمود یافته است. از این رو در برخی از دوره های تاریخی بعضی از رفتارها، رفتارهای نژند یا کجرو تعریف کرده اند. رفتارهای نژند جدیدی نیز که خاص جامعه جدید است، مطرح شده اند. به عبارت دیگر با تغییر ساختارها و مناسبت های اجتماعی، نه تنها اشکال و انواع جدیدی از نابهنجاری

ها پدید آمده اند بلکه میزان شیوع و رواج و نیز معنی و مفهوم آنها تغییر یافته اند. شاید سخن دور کهایم شاهد معتبری براین مدعا باشد که: وندالیسم در زمره آن دسته از انحرافات و بزهکاری هایی است که در جامعه جدید نمود و ظهور یافته است. (پاتریس ژانورن^۴، ۱۹۶۳، به نقل از ماهان فرخ، ۱۳۶۷).

وندالیسم را برخی مدرن و نو ظهور دانسته اند که به مثابه معضلی اجتماعی تا نیم قرن پیش مطرح نبود. به زعم این صاحب نظران، عصیان روز افزون انسان، علی الخصوص نسل جوان، در برابر تحمیلات اجتماعی و نیروهای قاهر و سرکوب گر بیرونی نه تنها مبین احساس اجحاف و درماندگی است. از این رو وندالیسم پدیده ای نو ظهور و مدرن در جامعه جدید است که عکس العملی است خصمانه و واکنشی است کینه توزانه به برخی از صور فشارها، تحمیلات، نامالیقات، حرمانها، اجحاف ها و شکستها. در ستون جامعه شناسی انحرافات و آسیب شناسی اجتماعی وندالیسم به مفهوم داشتن نوعی روحیه بیمار گونه به کار رفته که مبین تمایل به تخریب آگاهانه، ارادی و خودخواسته اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی است (کلارک^۵، ۲۰۰۶). مع الوصف باید توجه داشت که اغلب صاحب نظران و محققان آنرا به مثابه جنایتی خرد و از انواع بزهکاری جوانان به شمار آورده اند (میروکلینارد^۶، ۱۹۸۶، ژانورن، ۱۹۶۳، به نقل از سخاوت، ۱۳۸۲، ۲۹).

در کشورهایی که دارای نظام منظم ثبت اطلاعات مربوط به میزان خسارت ناشی از وندالیسم در بخشهای مختلف هستند آمارهای تریخ شده حکایت از وسعت، شدت، دامنه، تعدد و تنوع وندالیسم در بخشهای خدمات، محیط زیست، آموزش، بهداشت، تفریحات و نظایر آن و نیز سنگینی خسارت وارده و هزینه های تعویض و تعمیر وسایل و اشیای تعمیر شده دارد. قابل ذکر است تا قبل از زمستان ۱۳۷۴ که نخستین تحقیق منظم در باب علل و شیوع وندالیسم در تهران بزرگ به همت شهرداری تهران و موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام یافت (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴) اطلاعات قلیل و دانش محدودی در باب وندالیسم بویژه در

۴: Patris Janorn

۵: Clark

۶: Miro Klinard

تهران که بزرگترین حوزه کشوری است وجود داشت. در حال حاضر تحقیقات محدودی هم در گوشه و کنار صورت گرفته است. این تحقیق بدنبال بررسی ریشه ای علل و عوامل پدیده وندالیسم در جامعه می باشد. امید است که این تحقیق بتواند نمای کوچکی را از وندالیسم به تصویر کشد و راه کارهای بدست آمده در این مورد بتواند قدمی هرچند کوتاه در راه برداشتن معضل وندالیسم در جامعه بردارد. لذا این کتاب ارتباط بین هوش به عنوان متغیر فردی دخیل در وندالیسم، شیوه های فرزند پروری به عنوان متغیر مهم خانوادگی و پرخاشگری و کنترل آن و اعمال وندالیسمی به عنوان متغیر مهم در رفتار خرابکارانه می پردازد.

موضوع کتاب در بیان دیگران

اجتماعی شدن فرآیندی است که کودکان از طریق آن معیارها، ارزش ها و رفتارهای مورد نظر فرهنگ و جامعه خود را می آموزند. والدین در سال های نوپایی فرزندانشان، از عوامل اصلی اجتماعی شدن آنان به شمار می آیند والدین با ابراز محبت، ایجاد محدودیت و آزادی برای کودک و سرکوبی رفتار غیرقابل قبول او سرمشق کودک می شوند و بدین طریق فرآیند اجتماعی شدن عملی می شود (فرجاد، محمدی اصل، ۱۳۷۲: ۷۸).

والدین در رشد اخلاقی کودک که نهایتاً به کنترل رفتاری، سرکوب کردن خواسته های آنی و توجه به حقوق دیگران منجر می شود و همچنین طی فرآیند اجتماعی شدن که در آن کودک می آموزد و خواسته های خویش را با قواعد و انضباط خانواده و جامعه وفق می دهد نقش مهمی برعهده دارد (لیل آبادی، ۱۳۷۵: ۷-۸).

عده ای از والدین که مقتدر خوانده می شوند درخواست های معقول برای پختگی کودک دارند و این درخواست ها را باتعین محدودیت ها و اصرار بر اینکه کودک باید از آنها تبعیت کند به اجرامی گذارند در عین حال آنها صمیمیت و محبت نشان می دهند اما عده ای دیگر که والدین سهل گیر نامیده می شوند از هرگونه اعمال کنترل خودداری می کنند والدین آسان گیر به فرزندانشان اجازه می دهند در هر سنی که هستند خودشان تصمیم بگیرند و گروهی دیگر از والدین که مستبد خوانده می شوند این والدین برای پیروی کردن آن چنان ارزش زیادی قائل

هستند که فرزندانشان دوست ندارند پیروی کنند ((همان کاری را که من گفتم انجام بده)) نگرش این والدین است. (سید محمدی، ۱۳۸۵: ۲۷۳-۲۷۲-۲۷۱).

معمولاً شیوه های فرزند پروری مختلف پیامدهای مختلفی بدنبال خواهد داشت. حال با توجه به اینکه کودک و نوجوان پرخاشگر با صدمه زدن به خود و دیگران موجب از بین رفتن و یا تضعیف بهداشت روانی جامعه، خانواده و خود می شوند و چون تأثیر پذیری محیط خانوادگی و بخصوص شیوه های فرزند پروری مؤثر از عوامل اجتماعی است باید در هر فرهنگ و جامعه خاص تحقیقات منظم و دامنه داری صورت گیرد.

پاتریس ژانورن تخریب اموال عمومی را نوعی روحیه بیمار گونه تعریف می کند که به تخریب تأسیسات عمومی نظیر تلفن های عمومی - صندلی های اتوبوس های شهری - مترو - ترن های مسافری و باجه های پست و تلگراف و نظایر آن تمایل دارند وندالیسم در این معنی از بلایایی جوامع امروزی است که در گذشته دیده نشده است. وندان های کهن در هجوم وحشیانه ای خود چیزی را ویران می کردند که خود ساخته بودند اما وندان های مدرن چیزی را نابود می سازند که از آن جامعه خودشان است (شمسه، ۱۳۸۰: ۱۸).

چرا این موضوع

پرداختن به پدیده پرخاشگری و مبانی روانشناختی آن از این نظر حائز اهمیت است که همه ما به گونه ای، تجاربی از پرخاشگری را در موقعیت های مختلف داشته ایم. اما نکته مهمتر این است که بعضی ها در همه شرایط و موقعیت های اجتماعی به پرخاشگری قابل توجهی دچار می شوند و چنانچه از پرخاشگری این افراد به موقع جلوگیری نشود و درمان نگردد ممکن است آثار نامطلوبی به همراه داشته باشد و رشد شناختی، عاطفی، روانی و اجتماعی افراد را به طور جدی متأثر کند. پس باید هر چه زودتر با رفتارهای پیشگیرانه از پرخاشگری بیشتر جلوگیری و قبل از درمان اقدامات لازم انجام یابد. یکی از راه های بررسی پرخاشگری این است که میزان شیوع و عوامل مرتبط با آن را مطالعه کنیم یکی از این عوامل که حاصل نوعی پرخاشگری افراد است وندالیسم می باشد رفتاری که منتج به تخریب گیری اموال مردم می شود وندالیسم در زمره آن دسته از انحرافات ویژه و کارهایی است که در جامعه جدید و مدرن رشد و ظهور یافته

است. وندالیسم را مرضی مدرن و نو ظهور دانسته اند که به مثابه معظلی اجتماعی تا نیم قرن پیش مطرح نبود. امروزه وندالیسم خصوصاً برای کسانی که در شهرهای بزرگ زندگی می کنند پدیده ای ملموس و مشهود و واقعیتی تغییرناپذیر است که به عنوان یکی از نمودهای زندگی اجتماعی مدرن و ماشینی بروز و حضور دارد، در همه شهرهای بزرگ همه ویرانگری های تعهدی و رفتارهای غیرمسئولانه و ضداجتماعی وجود دارد. جامعه در اثر وندالیسم متحمل خسارات و صدمات زیادی می گردد. برخلاف بسیاری از جرائم و انحرافات آثار وندالیسم مشهود و پیداست. براساس تحقیقات انجام شده کودکان - نوجوانان و جوانان بین سنین ۱۰ تا ۲۵ سال بیش از دیگر گروه های سنی به رفتارهای وندالیسمی رو می آورند و میزان وندالیسم نیز در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است (محسنی تبریزی ۱۳۷۴: ۳۹).

جامعه و حتی اشخاص حقیقی و حقوقی در اثر وندالیسم متحمل خسارات مالی و بعضی مواقع جانی غیر قابل برگشتی می شوند. و اینکه گروه سنی دچار آن نیز نوجوانان و جوانان از هر دو جنس مذکر و مؤنث به آن دچارند و اینکه به شکل رفتار غیر مسئولانه و ضد اجتماعی نمود می یابد ضرورت تحقیقاتی را می طلبد.

تعاریف واژه ها و اصطلاحات

هوش^۷

استعداد کلی شخص برای درک جهان خود و برآورده ساختن انتظارات آن تعریف کرده اند. بنابراین هوش شامل توانایی های فرد برای تفکر منطقی، اقدام هدفمندانه، و برخورد مؤثر با محیط است. هوش می تواند اجتماعی، عملی، و یا انتزاعی باشد و نمی توان آن را از ویژگیهایی مانند پشتکار، علایق، و نیاز به پیشرفت مستقل دانست. (وکسلر^۸ ۱۹۵۸، به نقل از پاشا شریفی، ۱۳۸۲: ۸-۹).

۷: Intelligence

۸: Wechsler

سبک های فرزندپروری

به معنی روش و الگوهای نسبتاً پایدار والدین برای ارتباط اعضای خانواده است و جریان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل را فراهم می آورد (صافی، ۱۳۸۰: ۷۵).

سبک اقتدارطلبانه: الگویی که در آن والدین قاطع و اطمینان بخش عمل می کنند این والدین با محبت تر، گرمتر، و حامیتر بودند. و در عین حال آنان را کنترل می کردند و انتظار رفتار بالغانه داشتند آنان به استقلال و عقاید فرزندان خویش احترام می گذاشتند (صافی، ۱۳۸۰: ۷۷).

سبک مستبدانه

والدین بیشتر اعمال قدرت می کردند و روش انضباط اجباری داشتند و کمتر گرم و همدل با فرزندان خویش بودند و فرزندان را به بحث در مورد تصمیمات و قواعد خانوادگی تشویق نمی کردند (صافی، ۱۳۸۰: ۷۸).

سبک سهل گیرانه

والدین کنترل روی فرزندان ندارند و با آنها گرم نیستند و در تشویق و منضبط کردن آنان نیز جدی نیستند و از آنان (فرزندان) نیز انتظار رفتار بالغانه ندارند و به آنان اجازه می داند که خود فعالیت هایشان را تنظیم کنند (صافی، ۱۳۸۰: ۷۹).

پرخاشگری و کنترل خشم

رفتاری متمایل به ضرر رساندن و زیان رساندن است. واکنش های کودک نسبت به ناراحتی و ناکامی های اوست پرخاشگری تنها به منظور صدمه زدن به دیگران صورت نمی گیرد بلکه کسب پاداش، ارضای نیاز یا رفع موانع نیز می تواند هدف باشد (صافی، ۱۳۸۰: ۲۹-۲۸).

وندالیسم

رفتاری که باعث خراب کردن اموال عمومی - خصوصی و دولتی می شود (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴: ۴۵).

فصل دوم :

ونداليسم

مقدمه

یکی از جنبه های عمده و ضروری هر پژوهشی «مطالعه منابع مربوط به موضوع تحقیق» است. جان دیویی^۹ این مطالعه را یکی از مراحل پژوهش علمی می داند و معتقد است که انجام این مطالعه به پژوهشگر کمک می کند تا بینش عمیقی در زمینه موضوع مورد پژوهش و حوزه ای که تحقیق به آن تعلق دارد کسب کند. مطالعه منابع عبارت است از «مطالعه کلیه منابعی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با موضوع پژوهشی در ارتباط است» (دلور، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

وندالیسم

وندالیسم مشتق از واژه وندال است. وندال نام قومی است از اقوام ژرمن - اسلاو که در قرن پنجم میلادی در سرزمین های واقع در میان دو رودخانه زندگی می کردند. آنان مردمی جنگجو - خونخوار و مهاجم بودند که به کرات به نواحی و سرزمین های اطراف خود و قلمرویشان تجاوز می کردند و روحیه ویرانگری قوم وندال سبب گردیده است که در مباحث آسیب شناسی کلیه ی رفتارهای بزه کارانه که به منظور تخریب آگاهانه امول و اشیاء و متعلقات عمومی و نیز تخریب و نابودی آثار هنری و دشمنی علم و صنعت و آثار تمدن صورت می گیرد به گونه ای به وندالیسم نسبت داده شود. مدارس هدف نخستین وندال هاست آنها شیشه کلاس ها را می شکنند وسایل آموزشی و لوازم التحریر مدرسه را تخریب می کنند یا به سرقت می برند، وندالیسم در هر دو مورد پیداست پاشیدن رنگ بر روی دیواره های نرده ها - تابلوی اعلانات و اطلاعات و علائم راهنمایی و رانندگی اینها همه نشانه ای از وندالیسم می باشد. (ژانورن، به نقل از ماهان فرخ، ۱۳۶۷: ۱۹).

وندالیسم چیست

در اغلب تعاریف ارائه شده در باب مفهوم وندالیسم در مباحث انحراف و آسیبهای اجتماعی محققین و صاحب نظران در آن به عنوان رفتار معطوف به تخریب و خرابکاری اموال تأسیسات

۹: John Dewey

و متعلقات عمومی نام برده اند پاتریس ژانورن در سال ۱۳۶۷ آن را نوعی روحیه بیمار گونه تعریف می کند که به تخریب تأسیسات عمومی نظیر تلفن های عمومی، صندلی اتوبوس های شهری، مترو و ترن های مسافری و باجه های پست و تلگراف و نظایر آن تمایل دارد. وندالیسم، در این مفهوم از بلایای جوامع امروزی است که در گذشته دیده نشده است؛ ((وندال کهن)) در هجوم وحشیانه خود چیزی را ویران می کردند که خود ساخته بودند اما ((وندال های مدرن)) چیزی را نابود می سازند که از آن جامعه خودشان است. میروکلینارد در تعریف وندالیسم متذکر می شود که ((وندالیسم عبارت است از تخریب ارادی اموال و متعلقات عمومی به صورت مداوم و مکرر)). (الستی، ۱۳۸۲: ۲۱).

تعاریف وندالیسم

پاتریس ژانورن از وندالیسم به عنوان نوعی بیماری جهانی خرابکاری در قرن حاضر و عصر مدرن به مشابه پدیده ای جهانی نام می برد و آن را به گونه ای مجاز به تخریب آثار هنری و دشمنی با علم و صنعت و آثار تمدن اطلاق می کند. به همین علت اغلب روحیه ای را که تمایل به نابودی آثار هنری، تخریب اموال عمومی و همه چیزهای زیبای دیگر را دارد روحیه ویرانگری یا تمایل به خرابکاری (وندالیسم) می خوانند. مدارس هدف نخستین وندال هاست آنان شیشه کلاسها را می شکنند اشیاء منقول، وسایل آموزشی و لوازم التحریر مدرسه را تخریب می کنند یا به سرقت می برند، کتابخانه ها اعم از کتابخانه های محیط های آموزشی و یا کتابخانه های عمومی بنحو گسترده و وسیعی تحت تاراج وندال ها و تخریب تهاجم آنها قرار دارند صفحاتی که از کتابها با عناوین و موضوعات مختلف بریده یا کنده می شوند در مواردی کل کتاب مورد تخریب و آسیب قرار می گیرد. علاوه بر مدارس کلیه تأسیسات اموال متعلقات و اماکن و وسایل عمومی نظیر وسایل حمل و نقل عمومی وسایل ارتباطی علائم ترافیک، پل ها، جاده ها، پارک ها، سینماها و تئاترها، بیمارستان ها، ترمینال های مسافری، گالری ها و موزه ها، گورستان ها، عبادت گاه ها، هتل ها، خوابگاه ها و نظایر آن به وفور و کراراً در معرض تخریب و آماج یورش خصمانه وندال ها قرار دارند. وندالیسم در همه جا بیداد می کند تقریباً همه شاهد عوارض آن بوده اند آثار وندالیسم را روی در و دیوارهای شهرها، ترن ها، سینماها، آسانسورها، پارک های

عمومی، کیوسک های تلفن و به شکلی وسیع در مدارس می بینیم. همه روزه شاهد شیشه های شکسته کیوسک های تلفن و صندوق های پست تخریب شده هستیم؛ مسافران ترن ها در تیررس سنگ هایی قرار می گیرند که وندال های نوجوان به طرف شیشه واگن ها پرتاپ می کنند. از دیگر مظاهر وندالیسم نوشتن و حکاکی کردن بر روی دیوارهای مؤسسه های عمومی، روی صندلی های اتوبوس های شهری و نوشتن انواع یادگاری ها بر دیوارها و ستون های مکان های باستانی و آثار تاریخی است. از اینرو میروکلینارد وندالیسم را به عنوان نوعی تخریب ارادی اموال به صورتی تکرار شونده مستمر وبا انگیزه های خاص تعریف کرده و به نظر او در عمل غیرممکن است که بتوان وسعت یا هزینه وندالیسم را در جامعه امروز برآورد کرد مدارس، هدف درجه اول وندالیسم است در یک ارزیابی که بوسیله کمیته سنای آمریکا درسال ۱۹۷۵ انجام شده است برای مدارس حدود ۵۰۰ میلیون دلار هزینه فقط در نتیجه وندالیسم برآورد شده است. (کلارک، ۲۰۰۶).

وندالیسم به مفهوم یک اختلال شخصیت از منظر روانشناسی

افرادی که بیهوده تقلب می کنند و بی دلیل دروغ می گویند برای تشخیص، وضعیت دشواری فراهم می آورند. افرادی که همیشه نسبت به مقاصد دیگران شک دارند همینطور هستند. و کسانی هم که همواره به هرگونه عمل تحریک آمیز، صرف نظر از منبع یا شدت آن، به صورت انفعالی پاسخ می دهند، همین گونه اند. این گونه افراد را به سختی می توان روان پریش دانست، زیرا که آنها تسلط خوبی بر واقعیت دارند. این افراد لزوماً تحت سلطه ترسهای ناموجه، مشکلات جنسی، اعتیادها، و موارد مشابه قرار ندارند. با این حال رفتارهای آنها، برای مشاهده گران غیرعادی، منحرف، یا ناپهناجر به نظر می رسد؛ روشهای مخصوص آنها در فکر کردن درباره ی خود ومحیط شان انعطاف ناپذیر ومنشأ ناسازگاری اجتماعی وشغلی است. رفتارهای آنها می تواند منشأ پریشانی برای خود آنها و دیگران نیز باشد. اختلالهای این افراد اختلالهای شخصیت نامیده می شود. (منصوریان، ۱۳۸۴: ۲۲).

افراد مبتلابه «اختلال شخصیت ضداجتماعی»^{۱۰} دزدی و تقلب می کنند. اما آنها تنها افرادی نیستند که دست به این کار می زنند. افراد بهنجار نیز کش می روند، جعل می کنند، و دست به اختلاس و خرابکاری می زنند. هنگامی که افراد بهنجار دست به دزدی و تقلب و خرابکاری می زنند، آنها را مجرم و اعمالشان را جرم می گوئیم. واقعیت این است که سالها شخصیتی ضد اجتماعی را در قالبهای روانشناختی در نظر نمی گرفتند. در طول قسمت عمده تاریخ، مجرمان مجرم بودند و تنها تمایزی که بین آنها ایجاد می شد به شدت جرم آنها مربوط بود؛ اما بویژه در قرن نوزدهم، این عقیده پرورش یافت که برخی انواع رفتارهای بزهکارانه باید از شرایطی ناشی شده باشند که فرد کنترلی بر آنها ندارد - یعنی از منابع اجتماعی، روانی یا زیستی، پس جرم آنها اقدامات ارادی نبوده، بلکه ناشی از شرایط خارج از کنترل آنهاست؛ درست مانند رفتارهای غیر بزهکارانه اما قطعاً کژکاری که می تواند توسط تجربیات روانی ایجاد شده باشد که فرد کنترلی کم بر آنها داشته است، رفتارهای بزهکارانه ضداجتماعی نیز می توانند این گونه باشند. (شکر بیگی، محمدی راد، ۱۳۸۵: ۲۵)

رفتار ضد اجتماعی که به طور نامناسبی برانگیخته می شود

میانگین سنی افراد خشونت طلب و پرخاشگر، نشانگر تأیید بالقوه دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش بر این افراد است. تأثیر این دو نهاد را می توان به طور مستقیم در سه متغیر زیر عنوان کرد:

«الف» سابقه ی تنش و ناکامی در فعالیت های آموزشی

«ب» میزان کنترل و نظارت خانواده

«ج» میزان تنش در محیط منزل و روابط متقابل آنها به طور غیر مستقیم در ارتباط با متغیرهای مستقل دیگر مانند داشتن دوستان، همسالان و خویشاوندان مجرم نیز مشاهده کرد. شکل و الگوی رفتارهای صحیح باید در مدارس و توسط خانواده آموزش داده شود. (هومن، ۱۳۸۵).

برای مجرمان بهنجار، جرم «معنی دار و قابل درک است». ما می فهمیم آنها چه می کنند و چرا این کار را انجام می دهند، و آنها نیز هم همینطور. آنها می خواهند به سرعت ثروتمند شوند و ممکن است طالب مقام باشند. اینها انگیزه هایی هستند که می توانیم درک کنیم، هر چند که با این گونه رفتارها مخالفیم. ولی جرمهای افراد جامعه ستیز اغلب بی هدف، تصادفی و تکانشی به نظر می رسد، ما از کاری که آنها انجام می دهند سر در نمی آوریم و آنها نیز خودبه آن واقف نیستند. به نظر می رسد که هیچ هدف منطقی آنها را بر نمی انگیزد، بلکه آنها صرفاً تکانشی عمل می کنند.

فقدان شرم یا ندامت برای خلاف کاریهای گذشته، نبود هرگونه احساس سرافکندگی برای اقدامات فوق العاده بد، یکی از رایجترین ویژگیهای افراد جامعه ستیز است. آنها فاقد وجدان هستند، و از قابلیت اهمیت دادن به حقوق دیگران کاملاً بی بهره اند. از این رو روابط آنها کاملاً سطحی و به بهره کشی تمایل دارد. آنها فاقد استعداد عشق ورزیدن و دلبستگی مستمراند و نسبت به اعتماد، مهربانی و یا محبت بی اعتنا هستند. آنها بی شرمانه دروغ می گویند و می توانند با بی رحمی از کسانی که به آنها اعتماد کرده اند سوء استفاده کنند.

یکی از تفاوت های اساسی بین فرد بهنجاری که مجرم است و فرد جامعه ستیز به تجربه ی هیجان آنها مربوط می شود. مجرمان عادی احتمالاً هیجانها را همانند افراد بهنجار تجربه می کنند. ولی جامعه ستیزان هیجان های بسیار سطحی را تجربه می کنند. ظاهراً آنها برای عشق، خشم، اندوه، شادی یا نا امیدی مستمر فاقد استعداد هستند. در واقع ناتوانی این افراد در تجربه کردن هیجان می تواند به بی وجدانی آنها و به سهولتی که آنها انتظارات دیگران را نقض می کنند مربوط باشد. اختلالهای شخصیت پایدار هستند. اختلال شخصیت ضداجتماعی در کودکی یا اوان نوجوانی به عنوان نوعی اختلال رفتاری آغاز می شود و بعد تا بزرگسالی ادامه می یابد. عواملی که موجب رفتار ضداجتماعی می شود به این قرار است :

۱ - موقعیت خانوادگی و اجتماعی

۲ - کاستی یادگیری

۳ - عوامل ژنتیکی

۴ - کژکاریهای فیزیولوژیکی دردستگاه عصبی مرکزی.

شواهدی وجود دارد حاکی از اینکه جامعه ستیزانی که در طبقات اجتماعی پایین بزرگ شده اند، از افراد دیگر همین طبقات دوران کودکی دشوارتری داشته اند. از دست دادن پدر یا مادر از طریق ترک انفاق، طلاق، یاجدایی همبستگی بالایی با پرورش رفتار جامعه ستیزی بعدی دارد. به علاوه هرچه رفتار جامعه ستیزی جدی تر باشد، احتمال بیشتری دارد که فرد جامعه ستیز دچار محرومیت از والدین شده باشد. به بیان دقیق تر به قول اسمیت^{۱۱} این جو عاطفی مقدم بر طلاق، مثل مشاجرات، کتک کاریهای خشن، بی عفتی و قیحانه، الکلیسم، بی ثباتی والدین و بی توجهی پدر است که در جامعه ستیزی دخالت دارد. کودکانی که بعدها جامعه ستیز می شوند بسیار بیشتر از کودکان دیگر به دادگاه نوجوانان ارجاع داده می شوند و متعاقباً به مؤسسه های اصلاحی فرستاده می شوند. و در آنجا نیز برخی از عادت های همتایان ضد اجتماعی خود را کسب می کنند.

اما بسیاری از آنها به قول اشماک^{۱۲} از درس گرفتن از تجربه، ناتوان هستند. جامعه ستیزان ممکن است برای بالا بردن انگیزتگی و رساندن آن به سطح بهینه عملاً تحریک جو باشند. در عین حال، هیجان هایی که افراد رابه سوی جرمهای هیجان انگیز می کشاند نیز در جامعه ستیزان وجود ندارد. آنها عمدتاً مسبب جرمهای سرد مانند سرقت، کلاه برداری، خرابکاری هستند؛ هنگامی که آنها درگیر خشونت می شوند اغلب تکانشی و نامعقول عمل می کنند. آنها به تنبیه بدنی پاسخ نمی دهند اما تنبیه مادی مانند از دست دادن پول، و تنبیه اجتماعی نظیر عدم تأیید نیز وجود دارند. تنبیه جسمانی یا حتی زندانی کردن نیز مانع از پرورش آنان نمی شود؛ اما والدین با محبت و نظارت میتوانند جلوی پرورش جامعه ستیزی را بگیرند.

این افراد احتمالاً گرایش به جرم را از پدر زیستی خود به ارث برده و رفتار جزایی را از پدر اختیار شده خود آموخته بودند. فرزندان زنان مجرم بیشتر از فرزندان مردان مجرم در معرض خطر محکومیت جزایی قرار دارند. به نظر می رسد که زنان مجرم بیشتر از مردان مجرم آمادگی

۱۱: Smeit

۱۲: Eschmak

ژنتیکی دارند. برای اینکه زنان به این رفتار جزایی بپردازند، به آمادگی ژنتیکی نیرومندتر و شرایط محیطی ناگوارتر از برادرانشان نیاز دارند.

احتمالاً هوش به تنهایی کمتر موجب اقدام جزایی می شود. وزن کم هنگام تولد که اغلب از سوء تغذیه و مشکلات دیگر دوران بارداری ناشی می شود، معمولاً بر رشد مغز و رسش بعدی تأثیر گذاشته و از این رو می تواند در رفتار جزایی دخالت داشته باشد.

خیزکهای مثبت که شلیکهای ناگهانی و کوتاه فعالیت موجی مغز می باشد، در جامعه ستیزها به تنهایی با رفتار تکانشی و پرخاشگرانه در ارتباط است. این افراد نسبت به اعمالشان احساس گناه یا اضطراب نمی کنند.

جامعه ستیزی از کودکی سرچشمه می گیرد، که ویژگی آن در این دوره مواردی چون مدرسه گریزی، دروغ گویی دائمی، دزدی و ویرانگری را شامل می شود. رفتارهای مشابهی تا بزرگسالی ادامه می یابند، و شکل تجاوز به اشخاص و اموال، نپرداختن بدهی های کلان و قصور کردن از تعهدات مالی و درگیر شدن در جامعه جنایتکاران به خود می گیرد؛ آنها در چند صفت شخصیتی مشترک اند «فقدان احساس شرم و ندامت، ناتوانی در درس گرفتن از تجربه گذشته و هیجانهای بی مایه هستند». جامعه ستیزان از نظر توانایی تجربه کردن هیجان و درجه ای که وجدان رفتار آنها را کنترل می کند نارسا هستند. تنبیه جسمانی بویژه در مورد جامعه ستیزان بی اثر است، تنبیه به این علت می تواند بی اثر باشد که جامعه ستیزان کم انگیزه هستند، حالتی که ممکن است به خاطر کارکرد نابهنجار دستگاه کناری در مغز باشد. در حالی که آثار محیط در پرورش جامعه ستیزی به وضوح مشهود است. ژنها و محیط هر دو در اینکه آیا یک نفر به اختلال شخصیت ضد اجتماعی مبتلا خواهد شد نقش دارند. خانواده و موقعیت اجتماعی می توانند موجب نارسایی هیجانی در فرد شوند. این حالت همراه با آمادگی ژنتیکی برای کم انگیزگی مزمن، که کژکاری دستگاه کناری می تواند علت آن باشد، به مشکلاتی در یادگیری و نارسایی هیجانی منجر شود که حاصل آن اختلال رفتار کودکی و سرانجام اختلال شخصیت ضد اجتماعی است. (سیدمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۲۷-۳۵۰)

این اختلال «شخصیت ضداجتماعی» همراه با جنایت، جرم، بزهکاری و خرابکاری است. خصیصه اساسی «تاریخچه ای از رفتار مداوم و مزمن به صورت پایمال ساختن حقوق دیگران که قبل از پانزده سالگی شروع شده و تا زندگی بزرگسالی ادامه می یابد؛ این افراد دارای ویژگیهایی به این قرار هستند:

الف: جذابیت سطحی وهوش خوب

ب: اطمینان به خود، مدلل وفاقد اضطراب نوروتیکی

پ: فاقد احساس مسؤولیت

ت: نامطمئن، غیر صمیمی، بی عاطفه و زرنگ

ث: رفتار ضد اجتماعی بدون پشیمانی و شرم

ج: قضاوت ضعیف و قصور در یادگیری از تجربه

چ: ناتوانی در برقراری روابط طولانی ونزدیک با دیگران

ح: فاقد بصیرت درباره انگیزه های شخصی

آنچه مهم است درجه هر یک آنها است؛ اخیراً مشخص شده است که مقررات فرهنگی مخصوص و ویژه ممکن است موجب ظهور و پاداش تمایلات سایکوپاتی، معین گردد. محققان به منظور فهم اینکه چرا این افراد اینگونه رفتار می کنند به جنبه های زیادی از افراد ضداجتماعی از قبیل تاریخچه زندگی، عملکرد روانشناختی وخصیصه های شخصیتی آنها نظر افکنده اند. کودکانی که از بدو تولد از والدین سایکوپات خود جدا شده و تحت سرپرستی کسانی دیگر بوده اند در زندگی بعدی خود بیشتر از گروه کنترل رفتار ضداجتماعی نشان داده اند. در مردان، داشتن منسوبان الکلی بیشترین پیش بینی کننده برای رفتار ضداجتماعی است؛ ودر زنان داشتن منسوبان ضداجتماعی یا عقب مانده روانی بیشترین اهمیت را داشته است. به نظر زاکرمن^{۱۳} ویژگی که ممکن است ارثی باشد «الگوهای مخصوص فعالیت امواج مغزی است». در ضمن کسانی که در جستجوی میزان بالایی از تحریک اند نیز در این گروه قرار می گیرند. آنها

کمتر از سایر افراد نگران به نظر می‌رسند، ولی آنان تمام نشانه‌های بدنی و عضلانی را که معمولاً در اضطراب وجود دارد (میزان بالای ضربان قلب، تنگی نفس) را تجربه می‌کنند.

نوعی از شخصیت به نام «اختلال شخصیت انفعالی پرخاشگر» وجود دارد که عادتاً در برابر درخواستهای مربوط به انجام عمل مناسب هم در شغل و هم در زندگی اجتماعی مقاومت می‌کنند. گرچه آنها برای رفتار کارآمدتر مهارت دارند، ولی از طریق مسامحه، ناکارآمدی عمدی و «فراموشکاری» در انجام آنها خرابکاری می‌کنند. افراد مبتلا به شخصیت انفعالی - پرخاشگر از درخواستهایی که از آنان می‌شود رنجیده می‌گردند، ولی به جای نشان دادن این احساسات به طور مستقیم، خشم خود را از طریق مقاومت انفعالی نشان می‌دهند. در نتیجه این الگوهای رفتاری افراد مبتلا به شخصیت انفعالی - پرخاشگری معمولاً در شغل و روابط شخصی خود ناموفق‌اند. این فقدان موفقیت ممکن است موجب خشم آگاهانه نسبت به صاحبان قدرت بشود، ولی این افراد هیچ آگاهی از چگونگی رفتار خود که به یک موقعیت نسبت می‌دهند؛ ندارند. به نظر وایلانت^{۱۴} استفاده از مکانیزم‌های سازشی انفعالی - پرخاشگری معمولاً راه مؤثر نیست. یک بررسی سی ساله از یک گروه افراد دبیرستانی نشان داده است که میزانی از رفتار انفعالی - پرخاشگری که در اوایل بزرگسالی واقع شده بود، با سازگاری خوب در میانسالی همبستگی منفی داشت.

آنها در زمینه درمان و درمان برای مدت زمان طولانی عدم مداومت نشان می‌دهند. واکنشهای منفی درمانگران نسبت به ظهور مستقیم و غیر مستقیم پرخاشگری مسئله‌ای دیگر است که به نظر می‌رسد که مراجعان انفعالی - پرخاشگری کوشش می‌کنند که این احساسات را در درمانگران برانگیزند، شاید برای اثبات نظرات منفی خود نسبت به دنیا برای ناتوان ساختن درمانگران در کمک کردن به آنها باشد.

نظریه‌های روان‌پویایی پیشنهاد می‌کنند که برای افراد انفعالی - پرخاشگری «تغییر» به معنی تسلیم شدن و اجازه پیروزی دادن به دیگران است. رفتار یک فرد انفعالی - پرخاشگر ممکن است با حالتی که اغلب در تربیت کودک یافت می‌شود، مقایسه گردد. کودک بر والدین برای

محدود ساختن کنترل‌های آنها فشار می‌آورد و درست در همان هنگام برای جلوگیری از تلافی به عقب برگشته از آنها فاصله می‌گیرد. فرد انفعالی - پرخاشگر مانند کودک نسبت به محدودیت‌هایی که می‌تواند موجب تضیقاتی در اشخاص شود فوق‌العاده حساس است. تأثیر و تأثر با یک شخص انفعالی - پرخاشگر می‌تواند بازدارنده باشد زیرا شخص را روی لبه‌های یک وضع ابهام‌آمیز قرار می‌دهد. یا باید تسلیم شد یا باورهای خود را بی‌حرمت ساخت.

افراد مبتلا در بسیاری از اوقات با سبک‌های خشک‌سازشی خود مناسب یا طبیعی رفتار می‌کنند. گرچه وقتی که رفتار سازشی ایجاد نماید، هر اختلال شخصیت از طریق تکرار و شدتی که رفتارهای معین ظاهر می‌سازند، تمیز داده می‌شود. این افراد تمایل دارند که از رفتار خود راضی باشند و عدم شادمانی را که فرد افسرده یا دلواپس ممکن است با آن مواجه باشند ندارند، مگر آنکه مسائل آنها تشدید گردد. آنها محیط‌های خود را به عنوان همه‌مشکلاتی که با آن مواجهند و نه تمایلات و الگوهای رفتار خشک خود را ادراک می‌کنند.

متخصصان بالینی با جهت‌گیری روان‌پویایی و اصالت وجودی این اختلالات را به عنوان محصولی از سبک‌های دفاعی می‌بینند. حتی اگر اضطراب قابل مشاهده وجود نداشته باشد، پیش‌فرض این نظریه‌ها چنین است که اضطراب پنهان واکنش‌های دفاعی اشخاص مبتلا به اختلال شخصیت را بر می‌انگیزد. دیدگاه شناختی این اختلالات را به سبک‌های شناختی و ادراکی، بویژه به راه‌هایی که واقعیت مورد تعبیر و تفسیر نادرست واقع شده است، نسبت می‌دهد؛ دیدگاه یادگیری اختلال شخصیت را به عنوان ظهور الگوهای واکنشی اکتسابی که تحت تأثیر تجارب تقویت و مدل‌سازی شکل گرفته است می‌نگرد؛ نظریه‌های زیست‌شناختی تفاوت‌های مهم فردی در کنش‌های بدنی را خاطر نشان می‌سازد؛ دیدگاه جامعه‌شناختی اختلالاتی از قبیل رفتار ضد اجتماعی را که موجب مسائل اجتماعی می‌گردد و نقش جامعه رادر تشکیل آنها مورد تأکید قرار می‌دهد. خلاصه اینکه اختلال شخصیت انفعالی - پرخاشگری با ناکارآمدی مسامحه‌آمیز و عمدی، همراه با سرسختی مشخص می‌شود. افراد فعل‌پذیر - پرخاشگر از خواسته‌های دیگران می‌رنجند، ولی خشم خود را فقط از راه‌های غیر مستقیم ابراز می‌دارند.

این رفتار مسلط موجب ضعف پیشرفت شغلی و احساسات منفی قوی نسبت به افرادی که فرد فعل پذیر - پرخاشگر را در تماس با آنها قرار می دهد، می شود. (آزاد، ۱۳۸۲: ۹۸-۱۲۱).

وندالیسم در مفهوم آسیب شناسی

انحرافات پاتولوژی (pathology) یا آسیب شناسی را علم مطالعه و بررسی کارکردهای مختلف و گسل سیستم ها، بخش ها و اجزا در سطوح مختلف اعم از ارگانیک، فیزیولوژیکی، بیولوژیکی، فیزیکی و اجتماعی تعریف کرده اند.

از نظرگاه پزشکی پاتولوژی به مفهوم مطالعه جریانات و فرایندهای امراض اختلال و بی نظمی در کارکردها یا نقصان و کاستی در فعالیت ارگان ها و نیز مطالعه علل و اسباب بیماری ها و ناخوش های جسمانی و دماغی است جامعه شناسان که این واژه را از فرهنگ پزشکی جهت اشاره دردها و بیماریهای اجتماعی به عاریت گرفته اند هر نوع انحراف از فرم اجتماعی و هر اختلال در کارکرد نظام اجتماعی را به گونه ای به مبحث آسیب شناسی اجتماعی ربط داده و مباحث مربوط به انحراف ناهنجاریها، اختلالات رفتاری، بزهکاری و به طور عام مسایل و مشکلات اجتماعی را تحت مبحث کلی تر بنام دردشناسی یا آسیب شناسی اجتماعی مطرح کرده اند.

از این نظر وندالیسم را مشابه به یک آسیب یا درد اجتماعی می توان تلقی کرد. کلارک وندالیسم را چون سایر انحرافات اجتماعی ناشی از ناسازگاری های حاکم بر روابط بین فرد و جامعه، تضعیف و فروپاشی آتوریت اخلاقی در تنظیم روابط بین افراد، تزلزل نهادهای جامعه در انتقال ارزش های اجتماعی، سلطه شرایط آنومیک بر جامعه و واکنش و عکس العمل خصمانه و خشن برخی از افراد به تحمیلات و شرایط نامطبوع، نامطلوب و غیرعادلانه بیرونی می دانند. میلز^{۱۵} وندالیسم و سایر اشکال کژ رفتاری را معلول دگرگونی ساختی در جامعه می داند بزعم او کشاکش میان اخلاق، رسوم، ارزش ها و منافع گروه های اجتماعی زمینه را برای پیدایی انواع صور بزهکاری، کژ رفتاری و یا آسیب اجتماعی فراهم می سازد. زمانی که یک نظم اخلاقی مورد

تهدید و یا تغییر قرار گیرد، افرادی که نظم اخلاقی موجود حافظ منافع آنهاست در ممانعت از تضعیف و یا تغییر آن کوشا می شوند در مقابل گروه دیگری خواستار دگرگونی و فروپاشی آن می گردند. نتیجتاً بین دو گروه اجتماعی متعارض و متضاد برخورد و ستیزه در می گیرد و زمینه مساعد برای پیدایش آسیب های اجتماعی خاصی فراهم می شود .

در منابع مربوط به انحرافات و کجروی اجتماعی وندالیسم به مشابه نوعی بزه و از انواع جرائم خرد مطرح شده است، جامعه شناسان و کارکرد گرایان بر این باورند که حیات اجتماعی بر واقعیتی بنام هنجار استوار است. هنجارها قواعد رفتار اجتماعی به شمار می آیند که اجرای اصول و قواعد رفتارهای هر جامعه را تضمین می کنند بقاء و استمرار حیات هر جامعه در گرو متابعت اعضاء جامعه از هنجارها و ارزش های فرهنگی مقرر است. مع الوصف در همه جوامع بشری همه افراد به یکسان از هنجارها و ارزش های اجتماعی پیروی نمی کنند. از اینرو جامعه متابعت کنندگان هنجارهای اجتماعی را همنوا و ناقضین آنها ناهمنوا می نامد از میان اشخاص ناهنجار کسانی که رفتار نابهنجارشان تداوم داشته و دیرگاهی دوام آورد کجرو و یا منحرف و رفتار کجروی یا انحراف نامیده می شود..

به نظر بودون^{۱۶} انحراف به رفتاری اطلاق می کند که مخرب زندگی بوده و مورد سرزنش قرار گیرد یا موجب لطمه و جرمه گردد. بنظر بودون انحراف غالباً مترادف با قانون شکنی است و در جامعه موارد آن خیلی بیشتر از جرم است .

به نظر دوب^{۱۷} انحراف اجتماعی عبارت از هر نوع رفتار یا وضعیتی می داند که اعضای قوی تر یک گروه اجتماعی به گونه ای معقول، آنها تخلف جدی نسبت به ارزش ها یا معیارهای مهم خود می دانند .

رفتاری انحراف آمیز تلقی می شود که به عنوان رفتار غیرعادی تلقی می شود. پیکر در این باره می نویسد؛ انحراف چگونگی عملی که شخص مرتکب می شود نیست، بلکه نتیجه عملی است که دیگران برحسب ضمانت اجرائی قوانین به یک متخلف نسبت می دهند .

Boudon: ۱۶

Doob: ۱۷

بنابراین برای اینکه عملی انحراف محسوب گردد باید عوامل مختلفی در نظر گرفته شوند این عوامل در برگیرنده اهمیت نسبی هنجارها، موقعیت کنشگر، وضعیت فردی و اجتماعی او و شرایطی که عمل در آن محقق شده می باشد. در همه گروه ها درجه اهمیت هنجارها و رعایت آن توسط اعضاء یکسان نیست. برخی از هنجارها چون شیوه های قومی از اهمیت کمتری برخوردار بوده و عدم رعایت آنها مجازاتی در بر ندارد و یا در صورت مجازات میزان آن خفیف خواهد بود. در طرف دیگر قوانین وضع شده در یک جامعه در صورتی که مراعات نگردد فرد خاطی با مجازات شدید روبرو خواهد شد. همچنین ویژگی های فردی و اجتماعی کنشگر از پارامترهای مهم در گرایش به انحراف است. پایگاه اجتماعی خاطی نیز غالباً به عنوان عامل مهم در نظر گرفته می شود مصونیت های متفاوتی که برای سفراء، وزراء، نمایندگان مجلس و برخی اشخاص دیگر وجود دارد مؤید این امر است. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰)

طبقه بندی انواع انحرافات که با وندالیسم (تخریب گری) در ارتباط است: در طبقه بندی سیمونز^{۱۸} که براساس نظرسنجی از مردم و انتخاب آنان از انواع عمده انحرافات و منحرفین با استفاده از یک طیف فاصله اجتماعی صورت گرفته است. پاسخگویان رفتارهای زیر را به ترتیب اهمیت به عنوان رفتارهای مغایر با سنجه ها و معیارهای اخلاقی و کنشگران آنها را به عنوان کجروان و منحرفان که به جامعه زیان می رسانند، معرفی نمودند:

- ۱ - هم جنس بازان مرد .
- ۲ - همجنس بازان زن .
- ۳ - فواحش .
- ۴ - مصرف کنندگان ماری جوانا .
- ۵ - سیاست گران افراطی .
- ۶ - زناکاران .
- ۷ - الکی ها .

۸ - هیپی ها .

۹ - قماربازان .

۱۰ - افرادی که قبلاً توسط دادگاه ها به جرم یا جرایمی محکوم شده اند .

سیمونز متذکر می شود که همه عنوان رفتارهای ذکر شده از سوی پاسخگویان لزوماً انحراف یا جرم محسوب نمی گردد. مضافاً آنکه در نظرسنجی های بعدی پاسخگویان، سیاست گذاران افراطی، همجنس بازان و مصرف کنندگان ماری جوانا را دیگر هنجارشکنی تلقی نکرده و متقابلاً تجاوزگران جنسی، کودک آزاران، هوایما ربایان و مردانی که بر علیه زنان خود خشونت روا می دارند در زمره منحرفین و هنجارشکنان قلمداد گردیده اند. لازم به ذکر است که در رتبه های پایین درجه بندی کجروان، دروغگویان، زنان، رانندگان بی احتیاط، ملحدان، جوانان، مردان ریش دار، درستکاران، محتاطان و محافظه کاران، رؤسای جمهور، مطلقه ها، دخترانی که آرایش می کنند، متجددین، هنرپیشه ها، منفی باfan، استادان همه فن حریف دانشگاه ها و دانشجویان نخبه به ترتیب قرار گرفته اند. آنچه که از طبقه بندی سیمونز و مشابه آن می توان استنتاج کرد مبین آن است که عامه مردم کلمات کجرو و کجروی را به افراد و اعمالی اطلاق می کنند که از نظر آنان مردود و مذموم است. از طرفی این طبقه بندی ها نشان می دهند که بی هنجاری توسط واکنش های اجتماعی به عملی با یک شیوه خاص زندگی که با ضوابط اخلاقی و هنجارهای مقرر مورد انتظار مغایرت دارد تعریف و تعیین می شود. در طبقه بندی های مشابه از انواع انحرافات برخی از صاحب نظران سخن از انحراف نخستین، انحراف ثانویه و انحراف خاص رانده اند. دوبر انحراف نخستین را به انحرافی اطلاق می کند که موقتی است و به طور دائمی و مستمر تکرار نمی شود. در این نوع انحراف فرد کجرو نه تنها برچسب منحرف نخورده است، بلکه خود نیز را کجرو بحساب نمی آورد. در مقابل، انحراف ثانویه به انحرافی اشاره دارد که دائمی و مکرر است بطوریکه فرد کنشگر عملی را که مغایر با هنجارهای اخلاقی مقرر است بطور منظم و مستمر انجام می دهد. در این نوع کجروی هم برچسب کجروی بر فرد زده شده است و هم جامعه او را منحرف می شناسد، دزدان حرفه ای، دائم الخمرها، معتادان و نظایر آن جزو منحرفین ثانویه به شمار می آیند.

انحراف خاص مبین صفات و ویژگی های اخلاقی و رفتاری غیرتیپیک و غیرمتعارف در افراد است. از این منظر هرگونه رفتار با ویژگی فردی که به لحاظ آماری غیرمعمول یا متفاوت با رفتارهای متعارف و عادی بوده و از معیارهای استاندارد عدول نماید رفتار خاص یا انحراف خاص نامیده می شود. افراد کوتاه، افراد بلند قد بیش از ۲ متر و آدم های چپ دست، نوابغ، افراد خیلی چاق یا خیلی لاغر، شاگردان اول و نظایر آن که از معیارهای استاندارد و نرمال عدول کرده اند طبق تعریف فوق دارای انحراف خاصی هستند (ژانورن، به نقل از ماهان فرخ، ۱۳۶۷).

وندالیسم (خرابکاری و تخریب اموال عمومی)

الف : آتش زدن و ایجاد حریق

ب : قاچاق (کالا، الکل، مواد مخدر)

ج : احتکار

می توان استنتاج کرد که، اولاً: انحراف به هر رفتاری یا ویژگی رفتاری که با نظام ارزشها و هنجارهای مقبول و مورد انتظار جامعه مغایرت داشته باشد و از سوی تعداد کثیری از مردم رفتاری منفی یا مذموم ارزیابی گردد اطلاق می شود. ثانیاً: تقسیم جامعه به دو گروه راست رفتارار و کج رفتارار نامقدور است و علیرغم اینکه اکثر مردم می کوشند حتی المقدور خود را با هنجار و ارزشهای اجتماعی سازگار و همنوا سازند، مع الوصف هیچ جامعه ای را نمی توان یافت که در آن اکثریت مردم در طول عمرشان مرتکب هنجار شکنی در باب برخی از هنجارهای عمده اجتماعی نشده باشند. ثالثاً: انحرافات و کج رفتاری های اجتماعی بر حسب تعاریف جوامع و نوع فرهنگها بر حسب زمان و تاریخ، بر حسب مکان خاص، بر حسب نتایج حاصله از عمل و بالاخره بر حسب موقعیت، مقام و منزلت اشخاص نسبی است. کجروی بر حسب تعاریف جوامع و نوع فرهنگ نسبی است. یعنی آنچه را که یک فرهنگ بی هنجاری و یا انحراف تلقی می کند و آن را مستوجب کیفر میداند ممکن است در فرهنگ یا جامعه ای دیگر کجروانه یا منحرفانه به شمار نیاید. شرب خمر در برخی جوامع و فرهنگها عملی ناهنجار تلقی نمی گردد، حال آنکه چنین رفتاری در بعضی فرهنگها یا آیین ها مذموم و ممنوع است. کجروی همچنین بر حسب

زمان و تاریخ نسبی است، یعنی آنچه راکه در یک دوره تاریخی یا زمان معینی مذموم یا رفتاری منحرفانه می پنداشتند ممکن است در دوره دیگر یا زمان دیگر بهنجار تلقی شود و بالعکس، هرکنشی یا رسمی مقبول و پذیرفته شده در دوره ای می تواند به مرور زمان منسوخ و مذموم گردد. کجروی همچنین برحسب مکان خاص نسبی است، یعنی آنچه که در مکانی خاص بهنجار به شمار می آید ممکن است در مکانی دیگر عملی کاملاً ناهنجار تلقی گردد. کجرفتاری همچنین برحسب موقعیت، مقام و منزلت اجتماعی اشخاص نسبی است، به عبارت دیگر اشخاص افرادی در موقعیت ها و مقامات بالای اجتماعی کم تر در مظان اتهام ویا مظنون به ارتکاب جرم قرار می گیرند، حال آنکه احتمال مظنون واقع شدن افراد در موقعیت های اجتماعی پایین تر با اینکه خلافی مرتکب نشده باشند به مراتب بیشتر است. بالاخره کجروی برحسب نتایج و آثار حاصله از آن هم نسبی است، از این منظر اولاً: نیت یا فکرعمل کجروانه یا پلید مجازات نمی شود وثانیاً: رفتار واقعی مجرمانه می باید صورت گیرد تا کجروانه تلقی گردد، از این رو تنها اعمالی کجروانه و مستوجب مجازات به شمار می آیند که عملاً و علناً منجر به آثار ونتایج خاصی گردند. بدین ترتیب در شناخت کجروی لازم است به شرایطی که در آن رفتار معینی انجام می گیرد و نیز به عکس العمل دیگران نسبت به آن رفتار و نه بر روی خود عمل و یا شخص عامل آن توجه و تأکید شود. (شمسه، ۱۳۸۰).

فصل سوم:

عوامل مؤثر بر وندالیسم و نحوه برخورد با آن

عوامل تأثیرگذار بر پدیده وندالیسم

وندال نام قومی از اقوام ژرمن - اسلاو است که در قرن پنجم میلادی می زیستند و همواره به اسپانیا هجوم می آوردند و آنجا را تصرف می کردند. امروزه اصطلاح وندال به کسانی اطلاق می شود که به دلایل مختلف با حالت اعتراض دست به تخریب می زنند تا تخلیه روانی شوند، وندال ها مانند موربانه شهرها را ذره ذره می خورند؛ مانند نوجوانی که با چاقو صندلی ماشین را می برد. وندال یک واژه وارداتی در فرهنگ ماست و به جای آن افراد معارض قانون را می توان به کار برد.

وندال ها جوانانی هستند که با قانون ارتباط خوبی ندارند؛ و شاید از زبانی که به جامعه وارد می آورند، بی اطلاع باشند. آمار در ایران نشان می دهد که ۶۷ درصد از افراد دستگیر شده وندال در گروه سنی ۱۰ تا ۲۵ سال قرار دارند که در آن هم مردان بیشتر از زنان است طوری که ۷۵ درصد را مردان و ۱۹ درصد را زنان تشکیل می دهند. به لحاظ تحصیل هم ۳۵/۴ درصد تحصیلات راهنمایی و ۲۳/۹ درصد تحصیلات ابتدایی داشته اند. وندال ها از طبقات و قشرهای مختلف جامعه می باشند و تنها در بین طبقات پایین و کم تحصیل نیستند. می توان به هکرها و کسانی که ویروس وارد شبکه اینترنت می کنند اشاره کرد که جزء نواخ محسوب می شوند. برخی عوامل تأثیرگذار که در رفتار وندالیسم (منتهی به تخریب) شناخته شده اند :

الف - هوش پایین .

ب - بیماری روانی ناشناخته توسط فرد .

ج - مشکلات خانوادگی و تربیتی .

د - مشکلات اجتماعی و فرهنگ .

در خصوص هوش پایین باید گفت که از این رو این رفتار به تخریب می انجامد که شخص تحت سلطه فرامین وجدان یا من برتر قرار ندارد و خود را تحت سلطه نهاد می بیند و من وی نیز ضعیف می باشد که این به ایجاد رفتاری منجر می شود که شخص کنترلی بر آن ندارد و آن

رفتار فقط جهت تفریح یا ارضاء وی می باشد، فارغ از اینکه این رفتار به ضرر و زیان مادی و حتی در بعضی موارد به نابودی انسانهای دیگر می انجامد .

در مورد شخصی که بیماری روانی ناشناخته ای دارد، همانگونه که از نام آن بر می آید شخص باید بیماری روانی داشته که منشأ آن مشخص نیست ولی در بعضی موارد واقعاً منشأ آن مشخص است مانند شخصیت ضداجتماعی، و یا شخص انفعال - پرخاشگر و... که باعث رفتار وندالیسمی (خرابکارانه) می شود که هدف آن شخص بیمار و دیگران است که مورد ضرر مادی وحتی جانی قرار دارند .

مشکلات خانوادگی و تربیتی را چنین می توان بیان کرد که در بحث خانواده و تربیت بیش از هر چیز روانشناسان به مرحله کودکی اشاره کرده اند و جامعه شناسان نیز روی آن مانور می زنند که اولین مرحله اجتماعی - سازی کودک است؛ در خانواده است که نهاد تحت کنترل در می آید و من به وظیفه میانه روی خودش پی می برد و من برتر رشد می کند در غیر این صورت شخص رفتاری جدا از دیگران و به ضرر خود و دیگران می آموزد که در آینده می تواند خطرناک باشد .

در خصوص مشکلات اجتماعی و فرهنگی باید گفت که در این قسمت ما به فرهنگ جوامع و اینکه شخص در چه جامعه و فرهنگی رشد کرده و آیا آن فرهنگ و جامعه به موازین انسانی و رعایت حقوق دیگران معتقد است ، و یا اینکه فرهنگ خرابکارانه را ترویج می دهد ؛ بالتبع کسی که در شهر زندگی می کند با مردم عشایر و روستا متفاوت و تضاد فرهنگی دارند ، کسی که از لحاظ مالی در مزیقه است با فردی متمتع مالی متفاوت ، باسواد با بی سواد و جوامع نیز در کل با هم فرهنگ های متفاوت دارند که باعث ترویج رفتار وندالیسمی و یا کنترل چنین رفتاری می شود .

بنابراین باید تمامی عوامل حتی عوامل قبل از تولد نیز بررسی شوند، اینکه چگونه و تحت چه شرایطی به دنیا آمده است و محیط خانوادگی و مدرسه و محله و کشورش چگونه بوده است و حتی تولیدات فرهنگ کشورش، مانند روزنامه ها و کتاب ها و فیلم ها .

محسنی تبریزی وندالیسم را از منظر روانشناسی اینگونه می گوید: با متراکم شدن احساساتی که فرصت بروز پیدا نکرده و مانند منبع انفجاری همراه افراد می مانند به دنبال یک ناکامی کوچک به این شیوه بروز پیدا می کنند بدیهی است که در مقابله با این افراد باید با خردورزی رفتار کرد. و این پدیده زمانی بروز پیدا می کند که ناکامی های فردی در جامعه زیاد می شود این ناکامی ها می توانند زیستی، عاطفی، شغلی و یا مسایل اجتماعی باشند زمانی که این ناکامی ها زیاد می شوند و هیجانات فرصت بروز پیدا نمی کنند متراکم می شوند و به عنوان منبع انفجاری در فرد باقی می مانند و با یک تلنگر کوچک بروز پیدا می کنند که این تلنگر می تواند در مسابقات ورزشی یا سایر اتفاقات گوناگون اجتماعی زده شود. وی افزود: اگر این هیجانات در جهت صحیح کنترل شوند تبدیل به وندالیسم نمی شوند و می توان از آنها بهره مفید برد افراد متخصص در این حوزه (روانشناسان و جامعه شناسان) هستند که می توانند وندالیسم را کنترل کنند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰).

نحوه صحیح برخورد با وندالیسم

محسنی تبریزی اینگونه بیان می کند که اگر در جامعه بتوان افراد را به گونه ای تربیت کرد که در بروز هیجانات خردمندانه تصمیم و در هر ناکامی درس بگیرند و نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کنند و بدون اینکه از آرمانهای خود فاصله بگیرند آنها را تقویت کنند اینگونه معضلات بروز پیدا نمی کنند اما زمانی که افراد در برخورد با ناملایمات به دوران کودکی باز می گردند و دعوا و پرخاشگری را به رفتار خردمندانه ترجیح می دهند شاهد وندالیسم خواهیم بود. معمولاً برای آرام کردن این افراد باید خواسته های معقول آنها اجابت شود و با خردورزی به آنها القا کرد که خواسته های نامعقول آنها اجابت شدنی نیست.

در بسیاری از تحقیقات از جمله (تایلور^{۱۹}، ۱۹۷۳، فلکس^{۲۰}، ۱۹۸۶، گلداتون^{۲۱}، ۱۹۹۰، کلارک^{۲۲}، ۱۹۹۱ و ...) به این نتیجه رسیده اند که وندال ها و جوانان بزه کار به گونه دراماتیک یکی از بارزترین و

مشهورترین گروه های بیگانه در جامعه معاصر هستند به رغم این صاحب نظران وندال های بیگانه معمولاً در خانه هایی غیرمنضبط با والدینی سردرگم و مردد و نامطمئن درماندگی و احساس اجحاف خود را به صورت قهرآمیز پرخاشگرانه در مقابل نسل بزرگتر، صاحبان قدرت و همه نهادها و سازمان های تأسیس شده در جامعه نشان می دهند این امر شاید با بحث لوئیس فیوئر^{۲۲} در باب منشأ انتسابی و روانی بیگانگی نسل جوان و روحیه انتقام جویی و رفتار توأم با خشونت و ویرانگرانه آنان مرتبط باشد فیوئر آن را ((تدبیر خودآگاه)) می نامد و می نویسد: بررسی یافته ها و نتایج بدست آمده از میدان تحقیق گویای آن است که بیشترین فراوانی در میان پاسخگویان (گروه سنی ۲۴ سال به بالا) با ۸۶ درصد می باشد. ((احساسات و عواطف صادره از ناخودآگاه جوان که ناشی از ستیز نسل هاست خود را در جهان نامتعارف و غیرعقلایی به طور بارزی نمودار می سازد)). (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴).

علیرضا محمدبیگی (قاضی دادگستری در تهران) مفهوم حقوقی وندالیسم را در جامعه چنین بیان داشته: آسیب و لطمه عمدی به طور کلی یا جزئی به اموال اشخاص حقیقی و حقوقی که موجب نقصان یا از میان رفتن مال شود به ترتیبی که در قانون مشخص شده است به گفته وی از کارانداختن، غارت و اتلاف اموال، اجناس و محصولات نیز در قانون از مصادیق تخریب اموال عمومی محسوب می شود که مجازات و محدودیت های قانونی در پی دارد و گستره وسیعی از مفاهیم شناخته شده وندالیسم را در برمی گیرد. از میان علل شایع وندالیسم که در جوامع بشری شناخته شده اند که بخشی از آنها در جامعه ما نقشی جدی و پررنگ دارند به قرار زیر است:

الف) تضاد طبقاتی: آنها به طبقه خاصی تعلق ندارند و تنها در محدوده های مشخصی از شهرها به خرابکاری نمی پردازند و اعمال ناهنجار خویش را در همه جا انجام می دهد و محدودیتی برای کار خویش قائل نیست وجود خرده فرهنگها و مهاجر نشینی در یک محدوده مشخص شهری به افزایش وندال ها در آن قسمت کمک می کند. اختلاف طبقاتی در جامعه نوعی بی عدالی و خصومت را القا می کند که برتری های شهروندی را بر نمی تابد.

ب) تربیت اجتماعی: نظام تربیتی جامعه از کارکردهای فنی، اخلاقی، تاریخی و قانونی آن نشأت می‌گیرد و حاصل می‌شود ضعف این نظام برآستی بزرگترین نارسایی یک جامعه محسوب می‌شود که چهره حال و آینده آن را مخدوش می‌کند و حیات اجتماعی اعضای آن به مخاطره می‌افتد. بی‌ارزش دانستن اموال و منافع عمومی و مهمترین آسیب این حوزه که ریشه‌های ناپختگی فردی، ضعف‌های فرایند اجتماعی شدن در مرحله عمل و فقدان آموزش و اطلاع‌رسانی درباره محیط است.

ج) هیجانات روحی: در شکل‌نهایی وندالیسم هیجان روحی منشأ آن است که به صورت عصبانیت، پرخاشگری، عصیان جمعی و خودنمایی به تخریب می‌انجامد کاهش هیجانات نامطلوب و هدایت و تخلیه بخشی از آن به اقتضای سن، موقعیت فردی و اجتماعی، فشارها و ناملایمات زندگی روزمره بوجود می‌آید یکی از وظایف مهم دولت‌ها و نهادهای حکومتی است. افزایش کمیت و کیفیت مراکز تفریحی، مجموعه‌های ورزشی و امکانات تخلیه انرژی افراد بویژه نوجوانان و جوانان و ارائه تسهیلات برای استفاده اقشار مختلف از آنها یکی از کارکردهای مطلوب جامعه است که به کاهش وندالیسم می‌انجامد. خودنمایی در گروه دوستان نیز در این حوزه جدی است که عده‌ای از محصلان سوار بر اتوبوس به پاره کردن روکش صندلی‌ها می‌پردازند، یا در ایستگاه اتوبوس شیشه‌های جداره سرپناه را می‌شکنند تا قدرت بازو و جسارت خود را به رخ همسالان بکشند. رها شدن انرژی عقده‌های سرکوفته خانوادگی و اجتماعی، ناکامی‌های فردی و جمعی و محرومیت‌های فرهنگی نیز در این حوزه قابل بررسی است.

د) مالیات و خدمات: شهروندان باید به عینه ببینند و بپذیرند که خدمات شهری نتیجه مالیاتی است که خودشان می‌پردازند و در مقابل حفظ و صیانت آن مسئولیتی دوچندان بردوش خود احساس کنند. اما در جامعه شهری مشکلات نظام مالیاتی از یک سو و سیاست‌های کلان برای ارائه برخی خدمات دائمی یا متناوب از سوی دیگر از شکل‌گیری چنین تصویری جلوگیری می‌کند.

و) ضعف در اعمال قانونی: قوانین به صورت جامع و کامل و گسترده اعمال نمی‌شود. چون قانون‌گذار برای برخی از انواع وندالیسم تا ۱۰ سال حبس در نظر گرفته است. محمدبیگی درباره

مبانی قانونی مقابله با وندالیسم به ماده ۶۸۷ قانون مجازات و تعزیرات اسلامی اشاره می کند و می گوید ((بنا به نص صریح قانونی هر کس وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی را از قبیل شبکه های آب و فاضلاب، برق، نفت و تلفن و مراکز مخابرات و همچنین رادیو و تلویزیون و ... یا علائم راهنمایی و رانندگی یا سایر علائمی که برای حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات فوق در معابر نصب شده تخریب کند یا با ایجاد حریق به نقصان و از کاراندختن آنها بپردازد اگر قصد وی اخلال در نظم عمومی و امنیت نظام باشد محارب محسوب می شود و گرنه به ۳ تا ۱۰ سال حبس محکوم می گردد تخریب اموال عمومی و وسایل عام المنفعه یکی از مصادیق جرایم ضدامنیت است و علاوه بر آن تخریب درختان و فضای سبز نیز طبق مفاد این قانون زیر عنوان قانون گسترش فضای سبز مشمول تعریض و حکومت است)).

متأسفانه در کشور ما یک مانع جدی نیز پیش روی مقابله با این پدیده وجود دارد که ضعف آمارها و تحقیقات در این حوزه است برنامه ریزی برای کاهش وندالیسم به دانستن معیارهایی نظیر وسعت، شدت، دامنه، تعدد و تنوع خرابکاری نیازمند است و اینکه تخریب در چه بخش هایی صورت گرفته است. تنها تحقیق قابل ذکر در این زمینه آمارگیری سال ۱۳۷۴ در محدوده شهر تهران است که به همت شهرداری و موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفته و باقی تحقیقات محدود، کم دامنه و مقطعی بوده اند. آموزش، تبلیغ و جلب مشارکت واژه های کلیدی مقابله با پدیده وندالیسم شهری هستند و بدون آنها کاری از پیش نمی روند. (الستی، ۱۳۸۲).

در نشست آسیب های اجتماعی در تهران در ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ وندالیسم در قالب هشت تحقیق مورد پژوهش و بررسی قرار گرفت. براساس ۸ تحقیق ذکر شده، روند وندالیسم در ناوگان اتوبوسرانی به این قرار است که :

در سال ۷۴ سازمان اتوبوسرانی برای تخریب وندال ها ۲۳ میلیون تومان و در سال ۸۶ حدود ۳۰۰ میلیون تومان هزینه کرده است و در مسابقات فوتبال حدود ۱/۵ درصد تماشاگران در صورت اشتباه داور، عصبانی شده و اشیائی را به درون زمین پرتاب می کنند.

براساس گزارش های ارائه شده و آمارهای مربوط به موضوعات وندالیسم در برخی از کشورها نظیر آمریکا، کانادا، روسیه، سوئد، انگلستان، هلند، فرانسه، آلمان و استرالیا، تخریب اموال مدرسه، علائم ترافیک و تابلوهای راهنمایی، شکستن شیشه اماکن خالی از سکنه، شکستن لامپ های پارک ها، تخریب کیوسک تلفن و شکستن دستگاه تلفن عمومی، قطع سیم برق و تلفن، شکستن درختان خیابان ها و پارک ها، تخریب مجسمه های میدین، تخریب اموال پارک ها و اماکن عمومی، پاره کردن صندلی سینماها، تئاترها و اتوبوس های شهری، تخریب اموال کتاب خانه ها، تخریب و صدمه زدن به اتومبیل های پارک شده در خیابان ها، تخریب برخی وسایل داخل هواپیماهای مسافربری و قطارها و ترن های زیرزمینی، تخریب ریل های راه آهن، تخریب اموال بیمارستان ها، کارخانه ها، مراکز تجاری، ایجاد آتش سوزی در جنگل ها، مراتع و برخی انبارهای عمومی، استفاده از مواد منفجره نظیر ترقه و بمب دستی به منظور آسیب و تخریب برخی از متعلقات اشخاص حقیقی و حقوقی و موارد عدیده دیگر از رایج ترین صورت رفتار بزه کارانه و وندالیستی در جامعه مدرن است. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴: ۵۵ - ۵۸).

«وندالیسم»، معضلی که افراد جامعه از آن رنج می برند

وندالیسم نه تنها به عنوان یک کجروی و رفتاری بزهکارانه بلکه به مثابه یک معضل در بسیاری از جوامع و از سوی صاحب نظران و آسیب شناسان مطرح شده است. از نظر باتامور^{۲۳} مسئله اجتماعی ناشی از روابط انسانی است که خود جامعه را به گونه جدی تهدید می کند و با تحقیق تمنیات مهم گروه کثیری از مردم ممانعت می نماید.

به نظر آلین بیرو^{۲۴} اصطلاح مسئله اجتماعی فاقد محتوی دقیق است: اولاً: این اصطلاح می تواند وضع یا شرایط کلی اجتماعی را که دشواری خاصی پدید آورده یا ساخت های اقتصادی نامطلوبی را که موجب بروز نابرابری های بزرگ گردیده و بی عدالتی هایی را که صورت نهادی یافته اند بیان کند. ثانیاً: همچنین این اصطلاح می تواند به شرایط و اوضاع خاصی به کار رود که نیاز به بهسازی داشته باشد در این صورت مسائل اجتماعی ناشی از وجود ((عدم تعادل های))

Batamuor: ۲۳

Elien bieruo: ۲۴

جزئی و مشکلات یا بن بست هایی که خروج از آن برای افراد محروم امکان پذیر نیست، به تعبیر چالمرز جانسون^{۲۵} اگر سلامت جامعه را در اصطلاح ((تعادل اجتماعی)) بدانیم مسئله اجتماعی ناشی از عدم تعادل در ساختمان جامعه است. از این منظر در ریشه یابی مسائل روانشناسی اجتماعی تأکید علما بر عدم تعادل ساختی جامعه است.

به نظر روانشناس جنایی «هوبر» وندالیسم به عمل آسیب رسانی به اشیاء گفته می شود ولی خشونت به معنای صدمه رساندن به اشخاص است. که مرز بین جرائم خرد مانند دادن بلیط هنگام سوار شدن به وسایط نقلیه عمومی و یا آسیب رساندن به آن و اشکال جدی تر جنایت نظیر سرقت مسلحانه و یا قتل است. هوبر وندالیسم را عمدتاً متوجه اموال و اشیاء است تا اشخاص و چنانچه متوجه شخص نیز باشد اموال فرد مورد نظر است نه خود فرد. هوبر بیان می کند که ((وندالیسم بزرگترین مشکل نظام حمل و نقل عمومی در اغلب جوامع صنعتی از جمله هلند است این پدیده همردیف با دیگر صور آسیب ها و انحرافات اجتماعی و از انواع جنایات خرد مطرح است)). وندالیسم عموماً پدیده ای جهانی است و اهداف وندال ها و عملکرد آنان بدون توجه به اینکه در چه کشوری می باشند بسیار شبیه است. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴)

آلات، ابزار و وسایل تخریب (وندالیسم)

وندال ها از وسایل و ابزار مختلفی در تخریب و نابودی موضوعات مورد نظر خود استفاده می کنند و از آن جمله می توان به آلات برنده نظیر چاقو و قیچی و ابزاری مانند آچار، پنجه بوکس، کلید، میخ، ناخن گیر، سنگ، مواد رنگی جوهر، انواع اسپری های رنگی، تیرکمان، تفنگ، مواد شیمیایی و مته و دریل را می توان نام برد.

الف) موضوعات تخریب:

موضوعات مختلفی براساس گزارش های بین المللی و جهانی در معرض وندالیسم و تخریب عمدی وندال ها قرار دارند که در ذیل به فهرست بخشی از آنها اشاره می شود:

- ۱ - شعارنویسی روی در و دیوار شهر .
- ۲ - الصاق و چسباندن آگهی های تبلیغی، آگهی مجالس ختم، آگهی فروش وسایل منزل و تبلیغ فیلم .
- ۳ - قرار دادن تراکت های انتخاباتی در محل های غیرمجاز .
- ۴ - یادگار نویسی با اسپری روی دیوار، کوچه ها و خیابان ها .

(ب) وسایط نقلیه:

- ۱ - پاره کردن صندلی اتوبوس ها، مترو، قطار، صندلی سینماها، هواپیماها .
- ۲ - خط کشیدن به بدنه اتومبیل ها و وسایط نقلیه شخصی و عمومی .
- ۳ - تخریب ایستگاه های اتوبوس، سرقت چوب صندلی ها، شکستن دیوارها و سقف های شیشه ای آنها .

(ج) خیابان ها و کوچه ها:

- ۱ - شکستن درخت ها، شکستن لامپ و روشنایی های معابر عمومی و فضاهای سبز .
- ۲ - یادگار نویسی روی درخت ها و در و دیوارهای توالت های عمومی، آسانسورها و باجه ها .
- ۳ - تخریب باجه تلفن عمومی، بریدن سیم گوشی تلفن، شکستن شیشه باجه و کیوسک تلفن های عمومی

(د) پارک ها، فضاهای سبز و پارک های جنگلی :

- ۱ - شکستن درختان پارک .
- ۲ - چیدن گل ها و کندن بوته ها و گیاهان کاشته شده در پارک و فضاهای سبز .
- ۳ - نوشتن یادگاری بر روی درختان و یا صندلی ها و نیمکت های پارک ها .
- ۴ - ایجاد حریق عمدی در پارک ها، خصوصا پارک های جنگلی .
- ۵ - تخریب چمن داخل پارک ها و فضاهای سبز .
- ۶ - تخریب توالت ها و دستشویی های داخل پارک ها و فضاهای سبز .
- ۷ - شکستن لامپ ها و چراغ های داخل پارک ها و فضاهای سبز (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴).

تفاوت های جنسیتی در پرخاشگری (که باعث رفتار خرابکارانه «وندالیسمی» می شود)

معمولاً پسرها پرخاشگرتر از دختران هستند. این تفاوت در غالب فرهنگ ها و تقریباً در همه سنین وجود دارد و نیز در حیوانات نر هم از حیوانات ماده بیشتر است. از سال دوم زندگی این تفاوت ها آشکار می شود براساس مطالعات مشاهده ای در مورد کودکان نوپا بین سنین یک تا سه سال تفاوت هایی از لحاظ تعدد پرخاشگری بعد از هجده ماهگی ظاهر می شود و قبل از آن تفاوتی در پرخاشگری دیده نمی شود. در توجیه این تفاوت ها هم توجیحات فیزیولوژیکی ارائه شده و هم توجیحات اجتماعی، بعضی از نظریه پردازان معتقدند که ثبات تفاوت های جنسیتی که در همه فرهنگ ها و حتی حیوانات دیده می شود، از شواهد محکم در اثبات دخیل بودن عوامل بیولوژیکی است. تجربه اجتماعی پسرها و دخترها از لحاظ پرخاشگری کاملاً متفاوت است پرخاشگری بخشی از قالب رفتاری مردانه است و غالباً از پسرها انتظار رفتار پرخاشگرانه می رود و بطور تلویحی تشویق می شوند. گاهی این تشویق از طرف والدین و بدون آگاهی آنان صورت می گیرد و طیف این تشویق از یک لبخند تأیید مستقیم و ترغیب کودک به پرخاشگری گسترده است.

مشاهدات نشان می دهد که حتی از زمان خردسالی پسرها پرخاشگرتر از دختران هستند و در سنین بالاتر نیز مردان از زنان پرخاشگرترند آمار بزهکاران و جنایتکاران در سراسر جهان نشان می دهد که همیشه تعداد مردها در زمینه پرخاشگری از تعداد زنان بیشتر بوده است. تحقیقی که به مدت ۳۲ سال (۱۹۳۳ تا ۱۹۶۵) در ایالات متحده انجام گرفته، نشان داده است که مردها همیشه از زنها پرخاشگرند. تنها موردی که زنها پرخاشگری بیشتری نشان می دهند عبارت است از پرخاشگری کلامی می باشد.

اعتقاد بر این است که پسران به دلیل میزان بالاتر تستوسترون، پرخاشگرتر از دختران هستند. هورمون جنسی مردانه فعالیت و آمادگی برای خشم را افزایش می دهد و از این رو زمینه رفتار پرخاشگرانه است. اگر چه قوای بیولوژیک ممکن است پسران و دختران را به طرف الگوهای مختلف رفتاری سوق دهد تأثیرات اجتماعی نیز آنقدر مهم اند که می توانند استعداد و آمادگی بیولوژیکی را کاهش داده و یا حتی دگرگون کند.

عده ای معتقدند که پرخاشگرتر بودن مردان نسبت به زنان را باید در رفتار اجتماعی جستجو کرد. به نظر آنان اجتماع کنونی، از همان دوران کودکی، پرخاشگری را حق مسلم پسرها می داند و دخترها را از این عمل منع می کند. والدین در مقابل پرخاشگری پسرها تحمل بیشتری نشان می دهند و در نتیجه رفتار پرخاشگرانه ی آنها را تقویت می کنند و در مقابل، دخترها را به غیرفعال و مطیع بودن وادار می کنند .

بنا به نظر آدایر^{۲۶} اگر چه پرخاشگری در کودکان بیشتر اوقات در هر دو جنس پایدار است امکان دارد پیش بینی کننده الگوهای ضداجتماعی در پسران باشد تا دختران. تصور براین است که تفاوت های جنسی، انعکاس تأثیر ترکیبی از عوامل بیولوژیکی و خانواده باشد، اما باید توجه کرد که تفاوت های جنسی در پرخاشگری کاملاً قبل از تفاوت های بیولوژیکی بروز می کند. (آزاد فلاح، ۱۳۷۲: ۸۲) .

فراوانی پرخاشگری در ارتباط با تخریب گری اموال عمومی (وندالیسم)

براساس گزارش های مرکز جرم شناسی اداره تحقیقات فدرال (FBI)، ۱/۹۳۲/۲۷۴ فقره جرم خشونت آمیز در سال ۱۹۹۲ در آمریکا بوقوع پیوسته است، جرم هایی از قبیل تجاوز به عنف، سرقت اجباری و خرابکاری؛ (وندالیسم)) از این تعداد ۱۰۹۰۶۳ فقره به عنف و ۲۳۷۶۰ فقره مربوط به آدم کشی بوده است. میزان جرم خشونت آمیز در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است. آدم کشی در بین کسانی که همدیگر را می شناسند شایعتر است و بیش از ۵۰ درصد آن با اسلحه گرم صورت گرفته است. در آمریکا آدم کشی در بین گروه هایی که از نظر اجتماعی - اقتصادی در سطح پایین تری هستند شایعتر و فراوانی آن در مردان بیشتر از زنان است. براساس یک تحقیق از دانشجویان مدارس عالی نشان داده اند که در خلال یک ماه، ۲۸ درصد پسران، ۷درصد دختران، فرد دیگری را مورد حمله جسمانی قرار داده اند. تقریباً ۲۵ درصد از این موارد به مراقبت های پزشکی منجر شده است. از نظر وقایع تاریخی نیز به نظر می رسد که یکی از شایعترین رفتارهای انسانی در خلال تاریخ ثبت شده بشریت، پرخاشگری

است، چه در خلال ۵۶۰۰ سال تاریخ مدون انسان، ۱۴۶۰۰ جنگ به ثبت رسیده است که طول آنها بیش از ۲/۶ درصد کل سال های عمر بشر است. پژوهش های انجام شده درباره حیوانات نشان داده اند که بیشتر انواع حیوانات آداب و سنتی را اختیار کرده اند که عموماً مانع رفتار پرخاشگرانه ی منجر به کشتار می شود. اگرچه کشتار درون گونه ای که اکنون به وقوع می پیوندد بیش از آنچه که قبلاً حیوان شناسان پیش بینی می کردند توجه ما را جلب کرده است با وجود آنکه باقیمانده های منع سنتی پرخاشگری در نژاد انسان می توان ردیابی کرد اما مطابق آمارهای فوق و هم چنین آنچه در پی می آید انسان ها در قیاس با سایر انواع، ویرانگرترند؛ بگونه ای که بین سال های ۱۸۲۰ تا ۱۹۴۵ در حدود ۵۹/۰۰۰/۰۰۰ نفر در نتیجه جنگ، قتل یا سایر اعمال کشتار به هلاکت رسیده اند، ضرب و شتم کودکان از جمله اشکال پریشان کننده و ترسناک خشونت است و اگر چه بطور کلی قد کوتاه و ضعف در انسان و حیوان، احساس حمایت و دلسوزی را بر می انگیزد و همین کشش موجب بقای نوزادان و نوجوانان می شود با وجود این، ضرب و شتم کودکان عمومیت دارد در بریتانیا انجمن های جلوگیری از ایداء کودکان ۹۵۰۰ مورد ضرب و شتم بدنی و ۶۳۵۰ مورد تجاوز جنسی را در سال ۱۹۸۶ گزارش کرده است. این انجمن بر این باور است که در سال، حداقل ۲۰۰ کودک در نتیجه بدرفتاری والدین جان می سپارند والدینی که کودکان خود را کتک می زنند معمولاً خود نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. تحقیق مذکور یک الگوی متشکل از سه نسل سوء رفتار نسبت به کودکان را در برخی خانواده ها آشکار کرده است (الهیاری، ۱۳۷۶: ۳۱-۳۰).

بیان رابطه پرخاشگری با وندالیسم

والدین کودکان به شدت پرخاشگر غالباً به هنگام اعمال قواعد و معیارها خشونت دارند و پرخاشگرترند؛ یکی از پیچیده ترین و جامع ترین روش هایی که برای درک پرخاشگری در خانواده بکار رفته، تحقیق پاترسون و همکارانش بوده است. آنها برای مطالعه الگوهای کنش متقابل خانوادگی در خانه و مدرسه و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان، مشاهدات مستقیمی انجام داده اند افراد مورد مطالعه از خانواده هایی بوده اند که به دلیل مشکلات رفتاری مثل پرخاشگری، دزدی و سایر رفتارهای ضداجتماعی فرزند یا فرزندانسان به درمانگاه

رجوع کرده بودند. نتایج این بررسی نشان داد که در خانواده هایی که فرزندان به شدت پرخاشگرند، کنشهای متقابل غالباً وضعیتی ایجاد می کنند که الگوی رفتار پرخاشگرانه را در خانواده افزایش می دهد و وقتی که واکنش خشونت آمیزی بروز می کند سایر اعضای خانواده کاری می کنند که باعث دامن زدن به رفتار پرخاشگرانه می شوند.

معمولاً والدین در این خانواده ها در پاداش دادن و تنبیه کردن، رفتار با ثباتی نداشتند. مادرانشان در برابر رفتارهای اجتماعی و نیز ضداجتماعی فرزندانیشان واکنش مثبت نشان می دادند .

در عین حال گاهی هم پدر و هم مادر این گونه رفتارها را سرزنش می کردند و رفتاری بی ثبات داشتند. کودکان پرخاشگر غالباً در خانواده هایی بسر می برند که روابط عاطفی کمتری بر آنها حاکم است و ناسازگاری و اختلاف در فضای خانواده به چشم می خورد. غالباً خانواده های این کودکان به واسطه ی طلاق یا جدایی از هم پاشیده شده است. کودکان پرخاشگر غالباً در خانواده های پرجمعیت رشد می کنند و توجه عاطفی کمتری نصیب آنها می گردد یافته های تحقیقی دال بر این هستند که بسیاری از کودکانی که دارای اختلال سلوکی می باشند؛ در حفظ دقت و توجه نیز مشکلاتی را از خود نشان می دهند (آزاد فلاح، ۱۳۷۲: ۸۳).

طبق تحقیقات بندورا (۱۹۷۳)، در نتیجه تأثیرات الگویی بوقوع پیوسته و طی آن والدین خشن به مثابه مدل رفتار پرخاشگرانه کودکان در حال رشد تجلی می کند وقتی والدین خشن کودکانشان را تنبیه می کنند معنایش این است که :

"آنچه را که من انجام می دهم انجام بده، نه آنچه را می گویم."

رسانه های گروهی به عنوان وسیله ارتباط جمعی در شکل دهی و آموزش دادن رفتارهای گوناگون نقش مهمی به عهده دارند. یادگیری مشاهده ای و سرمشق گیری از دیگران بخش مهمی از یادگیری های ما را تشکیل می دهد. بنابراین نقش این رسانه ها در شکل دهی رفتار پرخاشگرانه در انسان و بویژه در کودکان اهمیت دارد. در ارزیابی برنامه های سه شبکه اصلی تلویزیون آمریکا، ABC، NBC، CBS معلوم گشته است که این شبکه ها در برنامه های خود در هر هفته ۹۲ مورد حمله با اسلحه گرم، ۱۱۳ صحنه تجاوز به عنف، ۹ فقره نزاع با مشت و

لگد و ۱۷۹ مورد تخلف از قانون را نمایش می دهند؛ ازسوی دیگر، هرکودک تا سن ۱۴ سالگی جمعا (۱۳۰۰۰) مورد قتل و تجاوز را مشاهده می کند. یک تحقیق در مورد اثرات سوء برنامه های خشن تلویزیونی روی کودکان آمریکایی نشان داده است، که نه زندگی خانوادگی یک پسر و نه عملکرد مدرسه ای او ونه زمینه خانوادگی او، بلکه مقدار برنامه های خشن تلویزیونی که در ۹ سالگی تماشا کرده است تنها و مهم ترین عامل تعیین کننده ی میزان پرخاشگر بودن او در ۱۰ سال بعد یعنی ۱۹ سالگی بوده است (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۲۳-۲۲۲).

(علاقه اجتماعی: نگرش ارتباط داشتن باکل بشریت وهمین طور همدلی با هر عضو نژاد انسان است). علاقه اجتماعی درهرکسی به صورت بالقوه موجود است اما قبل از اینکه بتواند به سبک زندگی سودمند کمک کند، باید پرورش یابد. علاقه ی اجتماعی از رابطه والد - فرزند در ماه های اولیه نوباوگی سرچشمه می گیرد، هرکسی که از نوباوگی جان سالم به در برده، فرد مهرورزی که از مقداری علاقه اجتماعی برخوردار بوده، او را زنده نگه داشته است. بنابراین هرکسی بذرهای علاقه اجتماعی را در این ماه های اولیه کاشته است.

بنا بر نظر آدلر^{۲۷} ازدواج و پدر و مادری تکلیفی دو نفره است. با این حال، پدر و مادر به صورت متفاوتی بر علاقه اجتماعی کودک تأثیر می گذارند. وظیفه مادر برقرار کردن رابطه ای است که به علاقه اجتماعی پخته کودک کمک می کند و حس همکاری را پرورش می دهد. او به گونه ایده آل به فرزند خود واقعاً و عمیقاً محبت می کند، محبتی که بر سلامت کودک نه بر نیازها یا خواسته های خود او متمرکز است. این رابطه محبت آمیز سالم، از علاقه واقعی او به فرزندش، شوهرش و دیگران بوجود می آید؛ و اگر این مادر یادگرفته باشد که به دیگران محبت کند و علاقه دیگران را به خودش جلب کند در گسترش دادن علاقه اجتماعی فرزندش مشکل چندانی نخواهد داشت. اما اگر او از فرزندش در برابر شوهرش جانبداری کند، فرزند او نازپرورده و لوس می شود. برعکس، اگر او فقط به شوهرش یا به جامعه توجه داشته باشد، فرزند وی احساس می کند مورد بی توجهی قرار گرفته و دوستش ندارند. ازسوی دیگر، اگر این مادر علاقه

اجتماعی گسترده ای نشان دهد، فرزندش یاد می گیرد با افراد سنین مختلف، از هر دو جنس و با انواع پیشینه های قومی، همدلی کند.

پدر در محیط اجتماعی کودک در جایگاه دوم اهمیت قرار دارد. او باید نسبت به همسرش، شغلش، و جامعه نگرشی متعهدانه داشته باشد. علاوه بر این، علاقه اجتماعی او باید در رابطه به فرزندش آشکار شود. پدر ایده آل کسی است که با همسرش در پرستاری از فرزند همکاری کند و با فرزند خود برخورد انسانی داشته باشد طبق معیارهای آدلر (۱۹۵۶)، پدر موفق از دو خطای جدایی عاطفی و خودکامگی اجتناب می کند. این خطاهای ممکن دو نگرش را نشان دهند، اما اغلب در یک پدر یافت می شوند. هر دو از رشد و گسترش علاقه اجتماعی در کودک جلوگیری می کنند. خطای اول یعنی جدایی عاطفی پدر می تواند باعث شود که کودک علاقه اجتماعی منحرف، احساس فراموش شدگی، و دلبستگی روان رنجور به مادر را پرورش دهد. کودکی که احساس جدایی عاطفی از والدین می کند، به جای هدف مبتنی بر علاقه اجتماعی، هدف برتری شخصی را دنبال می کند. خطای دوم یعنی، خودکامگی پدر نیز می تواند به سبک زندگی روان رنجور، منجر شود. کودکی که پدر را مستبد می داند، یاد می گیرد برای قدرت و برتری شخصی تلاش کند.

آدلر باور داشت که تأثیرات محیط اجتماعی اولیه بسیار اهمیت دارد رابطه ای که کودک با پدر و مادر دارد به قدری قدرتمند است که آثار وراثت را از بین می برد. او معتقد بود که بعد از ۵ سالگی، تأثیر قدرتمند محیط اجتماعی کودک، آثار وراثت را تیره و مبهم می کند. در این زمان نیروهای محیط تقریباً تمام جنبه های شخصیت کودک را تغییر یا شکل می دهند. (سید محمدی، ۱۳۸۷: ۹۵).

الگوهای والدگری در ارتباط با وندالیسم

مطالعه دیگر نشان داد که والدین دارای تحصیلات و مشاغل بالاتر در هدایت فرزندان خود از استدلال بیشتر استفاده می کردند. کاربرد بیشتر استدلال نیز، به نوبه خود، با الگوی آمرانه (نه خودکامه) تربیت کودک، کنترل غیرمستقیم مثبت، محبت، پذیرش و حمایت مرتبط بود.

مطالعه ای که توسط ریچ من^{۲۸} و لوائین^{۲۹} در ۱۹۹۲ انجام یافت، نشان داد که پاسخدهی بیشتر مادران، خصوصاً پاسخدهی کلامی، تحت تأثیر زمینه فرهنگی و تحصیلات مادر قرار دارد. (پیکهارت، به نقل از رئیسی طوسی، ۱۳۷۹: ۵۴).

به نظر دایانا بوم ریند^{۳۰} نحوه تأثیر سبک والد گری را بر ویژگی های اجتماعی کودکان پیش دبستانی ۳۰۰ خانواده مورد بررسی قرار داد. بوم ریند خصوصاً علاقه مند بود بداند که والدین برای کنترل کودک از چه الگوهایی استفاده می کنند. او توانست سه سبک والد گری عمومی را شناسایی کند:

الف - خودکامه

ب - آسان گیر

ج - آمرانه

خودکامه : والدین خودکامه بر اطاعت تأکید دارند، و از زور برای مهار اراده شخصی کودکان، مطیع نگهداشتن و محدود کردن خودپویی آنها، و ممانعت از بده - بستان کلامی استفاده می کنند. این گونه والدین بیشتر روشهای انضباطی سخت به کار می برند، چون خودشان نیز با همین روش پرورش یافته اند، این الگوها تا حدودی بازتاب ارزش های والدین است. این شیوه والد گری کودکان گوشه گیر و ترسان بوجود می آورد که یا فاقد استقلال اند یا استقلالی اندک نشان می دهند، و در کل تحریک پذیر و کم جرات و دمدمی، یا متخاصم و عصبانی و بیش از اندازه پرخاشگر هستند.

آسان گیر : والدین آسان گیر برای کودکان محدودیتی قایل نمی شوند، و تکانه ها و اعمال آنها را بدون تلاش برای شکل دهی به آن می پذیرند. برخی از آنها نرمخو هستند، ولی برخی دیگر بی تفاوتند و روش آنها پرهیز از پذیرش مسئولیت یا صدور اجازه انجام هر کاری به کودکان است. فرزندان آنها معمولاً طغیانگر، لوس، پرخاشگر، تکانشور، و از لحاظ اجتماعی

Richman: ۲۸

Loaein: ۲۹

Diana baumrind: ۳۰

نالایق اند. فقدان انضباط در منزل با پرخاشگری اجتماعی همبسته است که آن نیز به نوبه خود با طرد از سوی هممتایان همراه می شود .

آمرانه : والدینی که از سبک آمرانه استفاده می کنند فعالیت فرزندان خود را به شیوه ای منطقی هدایت و آنها را به گفتگو ترغیب می کنند، علاوه بر آن، وقتی کودکان ، نافرمانی می کنند، بدون آنکه بیش از اندازه آنها را محدود کنند، کنترل قاطعانه ای بر آنها اعمال می کنند. اینگونه والدین به نیازها و علایق فردی فرزندانشان بها می دهند، ولی استانداردهای شخصی را نیز برای رفتار آنها تعیین می کنند .

بنا بر نظر دکوریک و جنسن^{۳۱} این کودکان از دو گروه دیگر، سازگاری بهتری دارند. آنها متکی به خود، مسلط بر نفس، دارای اعتماد به نفس و شایستگی اجتماعی هستند . بوم ریند، بر مبنای پژوهش خود، نتیجه گرفت که والد گری آمرانه که قاطعانه ولی منطقی، گرم، پرورش دهنده و توأم با محبت است، بیش از سایر روش ها به اجتماعی شدن کودکان کمک می کند.

پژوهشی که توسط جیکب^{۳۲} انجام یافته نشان داد که محبت به عنوان یک متغیر والد گری با سازگاری کودک قوی ترین رابطه را دارد. والدینی که حقیقتاً به فرزندانشان عشق می ورزند، آنها را با عمده ترین ابزار اجتماعی شدن موفق مجهز می کنند (افروز، ۱۳۷۲).

چه می توان انجام داد تا شاهد این گونه از رفتار باشیم

واژه «discipline» به معنی انضباط و واژه «disciple» به معنی «یادگیرنده» از ریشه مشترکی نشأت می گیرند. بنابراین، انضباط، نوعی فرایند یادگیری یا آموزش، و ابزاری است که از طریق آن اجتماعی شدن شکل می گیرد و هدف آن بیشتر ارایه رهنمود در زمینه رفتار یا کردار است تا تنبیه. هدف نهایی انضباط حساس سازی وجدان و ایجاد تسلط بر نفس است تا افراد در چارچوب استانداردهای رفتاری و مطابق با قوانین و مقررات وضع شده گروه زندگی کنند.

Dekorik & Jenssens:۳۱

Jakab:۳۲

به نظر رایس^{۳۳} در ابتدا، کنترل کودک با اعمال کنترل بیرونی صورت می گیرد، ولی رفته رفته کودکان به ایجاد کنترل های درونی ترغیب می شوند تا استانداردهایی که سعی در دنبال کردن آن را دارند، نه به دلیل آنکه مجبورشان کرده اند بلکه چون خود می خواهند، بخشی از زندگی آنان شود بدست آورد. با شکل گیری این فرایند، حقایق درونی شده به استانداردهای رفتاری خود آنها تبدیل می شود. برای تحقق هدف انضباط، یعنی ایجاد کنترل های درونی، می توان از برخی اصول تقویت کننده فرایند فوق پیروی کرد، که خلاصه ای از آنها در زیر آورده شده است:

۱- کودکان با دریافت رابطه ای محبت آمیز و اطمینان بخش و مبتنی بر احترام متقابل به مداخله های والدین بهتر پاسخ می دهند. کودکانی که از حمایت هیجانی و پرورشی والدینشان برخوردار می شوند در قیاس با کودکانی که این حمایت ها را دریافت نکرده اند، سطح پرخاشگری پایین تری دارند .

۲- کاربرد انضباط : روش همسان مؤثرتر است تا به روش نامنظم. از این رو بهتر است والدین درباره روش انضباطی توافق کنند .

۳- وقتی پاسخ ها با پاداش و تنبیه همراه اند ، یادگیری تقویت می شود .

۴- کاربرد روش انضباطی وقتی مؤثرتر است که با حداقل فاصله از زمان وقوع خطا انجام شود.

۵- از روش انضباطی که به ایجاد درد منجر شود نباید استفاده کرد، از جمله باید از ضربه زدن به باسن کودک اجتناب کرد. تنبیه شدید، خصوصاً اگر ظالمانه و متجاوزانه باشد، جنبه مخرب دارد چون سبب تحریک احساساتی نظیر خشم و طرد شدگی و ایجاد رفتارهای خشن و ظالمانه مشابه در کودک می شود. در سوئد قوانینی به تصویب رسیده که بر اساس آن ضربه زدن به باسن کودک جرم است .

۶- در مواردی که روش انضباطی بیش از اندازه انعطاف ناپذیر یا تکراری باشد، تأثیر کمتری دارد. والدی که بدون توجه به آنچه کودک انجام داده، همیشه از او انتقاد می کند به او می آموزد که راضی کردن والدین ناممکن است .

۷- در ابتدا، اکثر کودکان به کنترل های بیرونی نیاز دارند چون هنوز آنقدر رسیده نشده اند که بتوانند کنترل شخصی بر رفتار خود اعمال کنند. روش های انضباطی مناسب با توجه به سن و سطح درک کودک متفاوت است. ولی در هر حال، اشکال افراطی آسان گیر یا خود کامه، در اغلب موارد مخرب است. در مورد کودکان بسیار خردسال انضباط را از طریق مدیریت محیط می توان اعمال کرد، مثلاً با فراهم کردن اسباب بازی ها، یا فعالیت های جالب، مجهز کردن بخش هایی از اقامتگاه کودک نظیر اتاق بازی یا زمین بازی و ایمن سازی خانه برای کودک با دور کردن اشیای خطرناک از دسترس او، کودکان خردسال را با منحرف کردن توجه یا ارایه فعالیت های جایگزین می توان منضبط کرد. گاه عاقلانه ترین روش انضباطی، دستکاری در محیط است. دور کردن کودک از موقعیت یا موقعیت از کودک از جمله این اقدامات است. آزمون کودکان بزرگتر، والدین می توانند مسایل مختلف را با آنان مطرح کرده و به تصمیم مشترک برسند، البته اگر کودک در مرحله پیش دبستانی باشد، لازم است جنبه دستوری رهنمودها قوی تر باشد. حتی در این موارد نیز، توجیه کودک و ذکر دلایل با توجه سطح درک کودک مفید است.

۸- کودکان باهم تفاوت دارند، مواردی دیده شده که در آن کودکان بسیار نافرمان از خانواده های بسیار محدود کننده به خوبی پرورش یافته اند، این امر در تأیید تأثیر نسبی کنترل والدین در منضبط کردن کودک است. اگر کنترل شدید والدین بر کودک نافرمان به شیوه های همسان اعمال شود، به مرور زمان از تأثیر رام نشدنی بودن اولیه کودک می کاهد. کنترل ممکن است از تأثیر مزاج نافرمان کودک بسیار نافرمان بکاهد و مانع یادگیری روش های قهری توسط او شود. و برعکس کنترل کمتر، شاید به دلیل احساس درماندگی در برابر کنترل ناپذیری تصور فرزند، گرچه مرز جلوگیری از فرایندهای زورگویانه باشد، به بروز رفتارهایی اخلاص گرانه در کودک منجر شود. اندک بودن کنترل والدین بر کودکانی که نافرمانی آنها ضعیف است، ممکن است محیط بهینه ای برای رشد کنترل درونی شده ایجاد کند. کنترل کمتر فرصت های فراوانی برای کارکرد خودمختار کودک فراهم و به درونی سازی مرزهای اجتماعی در کودک یاری رساند. اگر کودکانی که نافرمانی آنها اندک است با کنترل شدید مواجه شوند، ممکن است

موقعیت چندانی برای خودمختاری پیدا نکنند و در نتیجه تمرین کافی برای درونی سازی شناختی و هیجانی مرزهای اجتماعی نداشته باشند. احتمال دارد که این موقعیت بروز رفتارهایی زورگویانه را در آنها تسهیل کند. علاوه بر آن، چون این کودکان فاقد مقاومت کافی در برابر کنترل هستند، با موانع زیادی مواجه می شوند بدون آنکه در چیرگی بر آنها چندان موفقیتی بدست آورند. این وضع امکان دارد به بروز درجاتی از خشم ناشی از سرخوردگی منجر شود.

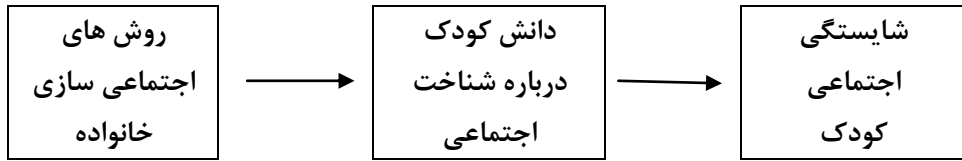
۹- در منضبط کردن کودکان باید سن آنها را در نظر گرفت. مطالعه نشان داده که مشکلات انضباطی کودکان پیش دبستانی در فاصله سنی ۳۰ تا ۳۶ ماه به اوج خود می رسد. یعنی اوج رفتارهای منفی در این فاصله سنی واقع می شد و از ۲۸ ماهگی به بعد مشکلات انضباطی ناشی از پرخاشگری فیزیکی و نارسیدگی کودکان نقصان می یافت.

۱۰- باید از روش های انضباطی که احساس امنیت کودک یا رشد عزت نفس او را به مخاطره می افکند، اجتناب کنیم. بعضی اوقات، والدین کودک را تهدید می کنند که اگر بچه خوبی نباشد او را رها می کنند یا به پلیس اطلاع می دهند که او را زندانی کند. همین طور، تهدید به دریغ کردن محبت در صورتی که کودک رفتار خوب نداشته باشد، روش انضباطی زیانباری است که متأسفانه در بسیاری از اوقات توسط والدین طبقه متوسط به منظور کنترل رفتار کودک به کار گرفته می شود. این گونه تهدیدها اگر منظمأ مورد استفاده قرار گیرند، تأثیری مصیبت بار بر احساس امنیت کودک خواهند داشت. (راس، فیلیپ^{۳۴}، به نقل از فروغان، ۱۳۸۷).

مدل مفهومی ارتباط روش های اجتماعی سازی، دانش شناخت اجتماعی و شایستگی اجتماعی

برگرفته از « شایستگی اجتماعی در کودکان پیش دبستانی کم درآمد: روش های اجتماعی سازی هیجانی و همبسته های اجتماعی - شناختی ». (تألیف پ. و. گارنر، بث. جونز و

ج.ل.مایز^{۳۵}، ۱۹۹۴، نشریه رشد کودک، شماره ۶۸۵ : ۶۲۷-۶۲۲، برگرفته از کتاب رشد انسان، مهشید فروغان، (۱۳۸۷).



رابطه وندالیسم با خشونت و پرخاشگری در رسانه ها

از میان نظریه پردازان؛ رفتارگرایان بیشتر در این حوزه یعنی تخریب و نابودی (وندالیسم) و نحوه یادگیری و آموزش و تأثیر آن بر جامعه سخن داده اند. و از میان آنان نیز (پاولف^{۳۶}) صریحاً آن را ذکر کرده است. کاربرد اصول پاولفی (شرطی سازی کلاسیک) در آموزش کلامی دشوار است، با این حال بی تردید این اصول در تمام مدت آموزش فعال هستند. در کل می توانیم بگوییم هر زمان که یک رویداد خنثی با یک رویداد معنی دار همراه می گردد؛ شرطی شدن کلاسیک اتفاق می افتد. کاملاً آشکار است که این گونه همراه شدن رویدادها همیشه اتفاق می افتد. وقتی که بوی عطر مصرفی معلم مورد علاقه ما بعدها در جایی به مشام ما می خورد خاطرات خوبی را درباره مدرسه در ما زنده می کند یادگیری ریاضیات در شرایط خشک و مستبدانه ممکن است موجب نگرش منفی دانش آموزان نسبت به ریاضیات شود، مجبور کردن دانش آموزان به نوشتن چندین بار از روی یک متن درسی به عنوان یک عمل انضباطی ممکن است در آنان نگرش منفی نسبت به نوشتن ایجاد کند، آموزش دروس دشوار در ساعت های اول صبح ممکن است در یادگیرندگان دست کم نوعی بی علاقه‌گی خفیف نسبت به اوقات صحیح ایجاد کند، و یک معلم دوست داشتنی و مطلع می تواند بعضی از دانش آموزان و دانشجویان را به انتخاب شغل معلّمی ترغیب نماید.

احساس اضطراب وابسته به شکست در مدرسه ممکن است منجر به بیزاری فرد از موقعیت های حل مسأله در خارج از مدرسه شود. اثر گارسیا^{۳۷} نشان می دهد که اگر با موقعیتی تجربه ای منفی اتفاق بیفتد بیزاری شدید نسبت به آن موقعیت ایجاد می شود. بنابراین امکان دارد که اگر تجارب کلاس درس به اندازه کافی منفی باشد، دانش آموزان برای تمام عمر نسبت به آموزش و پرورش احساس انزجار کنند. افزون بر اینها، دانش آموزانی که نسبت به آموزش و پرورش این گونه نگرش منفی کسب می کنند، ممکن است برای جبران ناکامی خود به معلمان یا اموال مدرسه حمله و دست به تخریب گری بزنند .

این جنبه های ضمنی آموزش و پرورش بدون تردید در تمام مدت در مدرسه اتفاق می افتند. در طراحی هر برنامه آموزشی اثربخش، تغییر نگرش ها و هیجان های وابسته به یادگیری براساس شرط سازی کلاسیک باید در نظر گرفته شود. (هرگنهان، بی. آر، السون، متیو. اچ^{۳۸}، به نقل از سیف، ۱۳۸۷ : ۲۵۹-۲۶۰).

یکی از نگرانی های عمده، تأثیر تلویزیون به مثابه محرکی برای رفتارهای پرخاشگرانه در کودکان است. درباره گسترش نمایش خشونت در تلویزیون تردیدی نیست. تا وقتی کودکان به کلاس هشتم قدم می گذارند کشته شدن ۱۸۰۰۰ انسان و ارتکاب اقدامات خشونت آمیز بر علیه هزاران نفر دیگر را در تلویزیون شاهد بوده اند. پژوهش کلاسیک انجام شده توسط باندورا بر روی رابطه خشونت تلویزیونی و رفتار پرخاشگرانه در کودکان نشان داده که احتمال تقلید کودکان از مدل های کارتونی خشونت کمتر از مدل های انسانی واقعی است. این یافته با سایر یافته هایی که نشان می دهند تأثیر تصاویر انسانی بیشتر از تصاویر کارتونی است همخوانی دارد. با وجود این کارتون های خشن نیز آثار منفی دارند. (بندورا : ۲۰۰۷).

در مطالعه ای که توسط گریر، پاتس، رایت، هوستون^{۳۹} انجام یافته نشان داده شده که نمایش های تلویزیونی که در آن صحنه ها سریعاً تغییر می کنند و فعالیت زیادی در آن جریان دارد،

Garssia:۳۷

Hergnhan.B. R-Olsson.matio.H:۳۸

Greer-Potts-Rite-Huston:۳۹

نظیر کارتون ها، بدون توجه به محتوای آنها، پرخاشگری را در کودکان افزایش می دهد چون برانگیختگی حسی ناشی از آنها کودکان را به ارتکاب عمل بدون فکر تحریک می کند .

اعمال خشونت آمیزی که کودکان در تلویزیون شاهد آن هستند عبارتند از: جنگ؛ ترور؛ جنایت؛ تیراندازی؛ چاقوکشی؛ ضرب و جرح؛ مشت زنی؛ شکنجه؛ لگزدن؛ خفه کردن؛ سوزاندن؛ تجاوز؛ بی رحمی نسبت به حیوانات؛ دزدی؛ حوادث خشونت آمیز؛ و تخریب اموال. هرچند اثبات رابطه علت و معلول دشوار است، ولی پژوهش های گسترده نشان داده اند که خشونت تلویزیونی با افزایش رفتار پرخاشگرانه در کودکانی که به تماشای آن میپردازند، همبسته است. موسسه ملی بهداشت روان (NIMH) (۱۹۸۲)، پس از بازنگری پژوهش های انجام شده بر روی موضوع فوق نتیجه گیری کرد که کودکانی که بر روی پرده شاهد خشونت هستند، بدون در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی یا سطح اجتماعی - اقتصادی، رفتار پرخاشگرانه تری دارند. این یافته هم در مورد پسران و هم دختران، هم در کودکان عادی و هم در کودکانی که به مشکل هیجانی دچارند، صدق می کند. گزارش NIMH نتیجه گیری کرد که تلویزیون از دو طریق رفتار پرخاشگرانه را تشویق می کند:

- ۱- کودکان آنچه را که می بینند سرمشق قرار می دهند و از آن تقلید می کنند، و نتیجه می گیرند که پرخاشگری رفتاری درست است و این تأثیر متقابل است.
 - ۲- کودکان پرخاشگر برنامه های تلویزیونی خشن تر را انتخاب و آنها را بیشتر نگاه می کنند، و کودکانی که برنامه های خشن تر را بیشتر تماشا می کنند پرخاشگرتر می شوند.
- پژوهش های دیگر ثابت می کنند که تأثیر خشونت متعامل و جمع پذیر است کودکانی که خشونت تلویزیونی را نگاه نمی کنند و کودکانی که پرخاشگرند بیشتر به تماشای خشونت تلویزیونی می نشینند .

این آثار ممکن است پایدار باشند، نتایج یکی از مطالعات نشان داده که مقدار خشونت های تلویزیونی تماشا شده توسط کودکان در دوره دبستان با میزان پرخاشگری آنها در سن ۱۹ سالگی و ۳۰ سالگی همبسته بود. البته، حتی این نتیجه هم رابطه علت و معلولی را اثبات نمی کند. (راس، به نقل از فروغان، ۱۳۸۷): ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۸۰.

رابطه شیوه های فرزند پروری با «وندالیسم»

در مورد اهمیت این امر که رفتار والدین با یکدیگر و تعاملات آنها با فرزندانشان بر رفتار و عملکرد کودکان حتی تا بزرگسالی تاثیر می گذارد، برکسی پوشیده نیست. افراد در تلاش هستند که سبک رفتاری خاصی را انتخاب کنند که تأثیرات منفی آن بر رفتار کمتر باشد یا به عبارت دیگر تأثیر مثبت داشته باشد.

پدر و مادر الگوهای فرهنگی، ارزش های جامعه ی خود را درست همانطور که توسط والدین، معلمین و غیره به آنها تحمیل شده است در کودک خود منعکس می کنند کودک نیز همراه با رشد خود، ارزش ها، آرمان ها، گرایش های اجتماعی و طرحی از نقش خود، در اشیاء و امور و نیز رابطه بین آنها را پیدا می کند. پدر و مادر از آن جهت در رشد شخصیت کودک اهمیت دارند که اثر خود را در دوره های اولیه رشد و زمانی که متکی به والدین است و نیز در شکل پذیرترین سال های حیات فرزند خود بر او اثر می گذارند و کودک تا مدت ها تحت نفوذ آنها می باشد(تنه کار، ۱۳۸۹).

خانواده به عنوان منبع ارضاء نیاز به محبت و امنیت کودک

محبت بزرگسالان نسبت به کودکان، عامل مهم و مؤثری در رشد طبیعی آنان است زیرا شخص در طول عمرش همواره می خواهد تضمینی پیدا کند که مطلوب نظر دیگران باشد و می تواند خود را به جماعتی نسبت دهد و بر دوستی افراد آن اعتماد کند. از این رو کودکان به شدت نیازمند محبت هستند و فایده ی محبت، یک چیز مبهم یا جدا از زندگی کودک نیست بلکه محبت بزرگان در دقایق زندگی کودک داخل شده، کاملاً در رفتارهای او منعکس و محسوس می شود. کودکانی که از محبت و اطمینان خاطر بهره مند شده باشند، بهتر خواهند توانست ناکامی را تحمل کنند، خود و دیگران را بپذیرند و محبت متقابل با دیگران داشته باشند. در محبت؛ اصلی که نباید از آن غفلت کرد این است که همان طور محبت نکردن، بزرگترین لطمه روانی را به کودک وارد می سازد و مهمترین عوامل مؤثر در بدبختی اوست. افراط در محبت نیز به همان میزان برای کودک مضر است(شعاری نژاد، ۱۳۸۰ : ۴۵۸-۴۵۷).

فصل چهارم:

مروری بر پژوهش های گذشته

خارج از کشور

وندالیسم به عنوان پدیده ای جهانی و جهان شمول خصوصاً در مناطق شهری بسیاری از جوامع امروزی اعم از مدرن و صنعتی و جوامع در حال توسعه و در ابعاد گسترده مختلف نمود و تجلی دارد.

فصل حاضر به استناد اطلاعات موجود در خصوص دامنه و وسعت وندالیسم در چند کشور اروپایی و نیز ایالات متحده آمریکا می کوشد در پرتوآمارهای موجود گسترده ابعاد و وسعت آن را نشان دهد (وندالیسم در هلند) در سال ۱۹۷۱ بود که برای اولین بار راه آهن هلند در گزارش سالانه اش در خصوص وقوع وندالیسم به عنوان شکلی از خسارات عمدی از اواخر دهه ۷۰ یعنی زمانی که مسئولان در سطوح محلی و ملی آگاه شدند سبب توجه بسیار زیاد دولت در تصمیم گیری ها شد به همین دلیل شهرداری نوتردام از جمله شرکت حمل و نقل شهرداری در اواخر دهه ۷۰ خواست برای کنترل آن چاره ای اندیشیده شود.

در حال حاضر خسارات سالانه مربوط به این گونه اعمال بیش از ۵۰۰ میلیون کرون (واحد پول هلند) تخمین زده شده است نسبت این میزان خسارت به حمل و نقل عمومی در حدود ۱۰ درصد یا ۵۰ میلیون است.

در کره خاکی و در همه جای دنیا این افراد حضور دارند، هیچکس حریفشان نیست. انگار که هیچ نقطه ای از این دنیا از دست آنها در امان نیست، کارشان تخریب و شکستن است. هیچ کس از خراب کاری آنها در امان نیست. آنها به اموالشان ترحم ندارند؛ و اگر چیزی برای تخریب نمی یافتند، که آبا و اجدادشان هزاران سال پیش به آتش می کشیدند و می گریختند. همان ها هستند که فرزندان شان امروز که فرصت و اجازه این کار را ندارند با تیغ و چاقو به جان و مال عموم یورش می برند و می خواهند که عقده آدم کشی خود را بروز دهند. در محافل عمومی دنیا بحث وندالیسم و اوباشی گری دسته ای از مردم و عدم عملکرد آنها طبق قانون همیشه مطرح بوده است. وندالیسم به معنای تخریب کنترل شده اشیاء و آثار فرهنگی با ارزشی یا اموال عمومی است. در برخی از کشورها مانند، بریتانیا، اتریش، یوگسلاوی یک ناهنجاری اجتماعی به حساب می آید. ولی سهم بیشتری از آن در اسپانیا، آرژانتین، ایران و ... به دلیل وجود

طرفداران پرو پا قرص فوتبال وجود دارد. خسارات زیاد حاصل از خرابکاری وندال ها را به خود اختصاص می دهند.

وندالیسم در همه جای فرانسه بویژه شهرها و مترو و پل ها بیداد می کند. مسئولان متروی پاریس تنها در سال ۱۹۸۹ برای تعمیر و بازسازی صندلی هایی که مسافران مترو پاره کرده بودند ۱۸ میلیون فرانک (واحد پول فرانسه) هزینه کردند در آن سال به ۳۵۸۵۲ صندلی از طرف وندال ها خسارت وارد شده بود و این مقدار معادل یک دهم کل صندلی های متروی پاریس است .

هرسال خرابکاران بیمار دست کم اتوبوس ها را در ایستگاه های اتوبوس با تفنگ و سنگ می شکنند. کل هزینه خسارت وندالیسم در جمهوری فدرال آلمان در سال ۱۹۸۹ بیش از ۴۳ میلیون مارک آلمان بود و بیشترین سهم (۶۳٪) مربوط به حوزه های شهری بزرگ بود و سایر شهرها ۲۳ درصد هزینه را به خود اختصاص داد.

در سطح جهانی افزایش چشم گیری در میزان خسارت های ناشی از وندالیسم به چشم می خورد. در هامبورگ میزان افزایش در فاصله ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ (۱۴ درصد) بود گزارش خبرگزاری ها نیز بازگوی افزایش وندالیسم بود .

ابعاد وندالیسم در ایالات متحده آمریکا نیز گسترده است. پارک ها، موزه ها، مدارس، کتابخانه ها، متروها و از اماکن تاریخی، از محیط های آسیب دیده وندالیسم هستند. در حومه آلبوکرک نیو مکزیکو سوراخ های ناشی از گلوله به سطح صاف دیواره های صخره ها در بنای یادبود ملی پترو گلیف آسیب رسانده است. مجسمه های حیوانات و انسان که هزاران سال پیش توسط آمریکایی بومی آن محل کنده کاری و نقاشی شده بودند هدف تیر اندازان ماهری است که تعداد ۱۶۰۰۰ آنها را به توده ای خرده سنگ بدل کرده اند.

تظاهرات و تحصن های برگزار شده در ایتالیا نیز در همه جای شهر و توسط چشم آبی های کشور چکمه ای (ایتالیا) زبازند خاص و عام است. آنها بساط تظاهراتشان را هرگونه عاملی که نارضایتیشان را برانگیزد، به گونه ای سریع به شهرهای مختلف می گسترانند، این تظاهرات هر ساله خسارات زیادی به دولت ایتالیا وارد می کند که گاه آمار این آسیب از طرف دولت

ایتالیا به گونه صحیح اعلام نمی شود. و خسارات دیگری از سوی مافیایی های سیسیلیایی هر از چند ماه یک بار به شهرهای مختلف وارد می شود که می خواهند با این کار زهرچشمی از دولت میامی بگیرند و به همگان و اموال عمومی چهره دیگری از وندالیسم را نشان دهند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴: ۸۹ - ۹۲).

داخل کشور

در ایران وندالیسم، بیشتر خود را در بازی های ورزشی «که مخصوصا در بازی فوتبال خود را نشان می دهد» و از سوی تیم ها بروز داده می شود، اما این موضوع اختصاص به هواداران متعصب ندارد. کافی است به شعارهای نوشته شده بر روی در و دیوار شهر نگاهی افکند و یا به صندلی پاره شده اتوبوس ها نگاهی بیندازیم. به لحاظ آسیب های اجتماعی، تفاوت بسیار زیادی میان بزرگ و کوچک وجود دارد. چرا که روابط چهره به چهره و ارتباط روزمره افراد با یکدیگر در شهرهای کوچک و روستاها موجب می شود میزان بروز آسیب های اجتماعی به مراتب از کلان شهرها کمتر باشد شاید بتوان گفت یکی از علت های اصلی این است که ما در کلان شهرها مهاجر زیاد داریم و اقوامی که با یکدیگر بیگانه اند کنار هم قرار می گیرند و به علت اینکه کمتر شناخته می شوند از این شرایط استفاده کرده و بسیار راحت توسط این گمنامی رفتارهایی را که در نظر دارند انجام می دهند. چرا که شناخت یکی از عللی است که سبب می شود بسیاری از رفتارها کنترل شود و شخص در برابر دوستان و آشنایان و بستگان، بسیاری از رفتارها را انجام ندهد.

برای پیشگیری از وندالیسم ابتدا خانواده ها باید آموزش های رفتاری و مهارت های اجتماعی لازم از جمله مسئولیت شناسی و شناخت حقوق دیگران، شناخت وجدان اجتماعی را به فرزندان تعلیم دهند. در مرحله، بعد مدارس و آموزش و پرورش باید اقدام به آموزش های لازم در این زمینه کنند، نهادهای فرهنگی و اجتماعی هم باید به تخلیه انرژی نوجوانان و جوانان کمک کنند. وقتی انرژی انباشته شده در بسترهای مناسب تخلیه نشود، به شکل دلخواه و باهدایت بعضی از دوستان و همسالان تخلیه و گاهی اوقات به وندالیسم تبدیل می شود. بنا به اینکه انگیزه فرد چه باشد احساسش هم متفاوت است. این انگیزه ها گوناگون هستند. برخی

این کار را فقط به عنوان شیرین کاری در نظر می گیرند، حتی در میان خانواده هم از عملشان می گویند و ممکن است خانواده به راحتی بخندد یا اگر جلوی دوستی این کار را انجام دهد ممکن است آن دوست برای اینکه به اصطلاح آدم باحالی به نظر بیاید آن کار را تأیید کند، هرچند که خودش اهل آن برنامه نباشد! وقتی که شخص پاداشی به دست آورد، پاداش سبب ادامه رفتار می شود. این یک قسمت از انگیزه است که شخص در فکر خود، شیرین کاری انجام دهد و دیگران بخندند و مورد توجه قرار بگیرد.

«علل وندالیسم در تهران و راه های پیشگیری و درمان» نیز عنوان پژوهش دیگری از محسنی تبریزی است. عجیب است که بحث در مورد پدیده وندالیسم تا این حد سطحی طرح شود. فقط با یک سری آمار و ارقام، وندالیسم در هر جامعه ای می تواند نمایشگر بخشی از اعتراضات مدنی مردم باشد. بخشی که تحت سلطه نظم کور جامعه ی مدرن به شکل یک عصبانیت و احتمالاً در ادبیات مورد علاقه شما به گونه یک تخریب بیرون می ریزد. در کشورهای غربی مثلاً در دولت آمریکا چه خونسردانه به این حق عمومی احترام می گذارند و وقتی روزی را برای این تخریب اختصاص می دهند تا خشم عمومی خالی شده و از فردای آن روز شروع به ترمیم بخشهای تخریب شده می گیرند. امادر ایران اشاره ای به این حق نمی شود. این مسئله یک جرم نیست بویژه در جامعه ما بیشتر یک حرکت آزادی طلبانه و اعتراضی است. اگر شما اسم آن را جرم می گذارید من ترجیح می دهم بگویم که گزارش شما بسیار سطحی است. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴: ۶۵-۶۸).

علیرغم مزایای موارد و خسارات وارده بر متعلقات عمومی و تأسیسات مناطق شهری خصوصاً در شهرهای بزرگ کشور؛ دانش و اطلاعات منظمی از آن خصوصاً دامنه ابعاد، گستره علل و انگیزه ها، موضوعات تحت تخریب و هزینه های مصروفه تعبیر یا تعویض وسایل و تجهیزات و تأسیسات صدمه دیده در اراده وندالیسم در دست نیست.

نتایج به دست آمده از بررسی خصوصیات فردی، خانوادگی، اعتقادی، شخصیتی و رفتاری وندال های تحت مطالعه تهران و کم و بیش مشابهت آنها را با وندال ها و جوانان بزهکار مطالعه شده در جوامع دیگر نشان می دهد بدین ترتیب نتایج بدست آمده درباره ویژگی های وندال ها

مورد بررسی ضمن حمایت از ویژگی های پیشین نشان دهنده آن است که وندال یک تیپ یا گروه بزهکار واجد ویژگی های فردی شخصیتی، خانوادگی، اعتقادی و رفتاری مختص به خود هستند، که آنها را از افراد غیر وندال ممتاز و متمایز می سازد.

براساس نتایج حاصله از حیث توزیع جنسی اکثریت قریب به اتفاق آنها (۹۸/۱۲ درصد) مذکرند بیشترین درصد آنها (۹۷/۳) درصد در گروه سنی ۱۴ تا ۲۹ سال قرار دارند قریب به یقین نیمی از آنان ۴۸ درصد مهاجر و بالغ بر ۸۱ درصد دارای منشأ شهری (متولد شهر) هستند از حیث سواد سه چهارم دارای تحصیلات زیر دیپلم هستند و حدود ۴۳ درصد قبل از ورود به دوره راهنمایی ترک تحصیل کرده اند از اینرو از نظر تحصیلی جزو افراد ناموفق و سرخورده به حساب می آیند .

بیش از ۷۳ درصد آنان دارای والدین بی سواد یا کم سواد و دستمزدهای اندک و قلیل اند به طوری که با احتساب SES (پایگاه یا وضعیت اجتماعی - اقتصادی) خانواده ، مبالغ بر ۷۰ درصد وندال های تحت مطالعه در « SES » پایین قرار می گیرند. از طرفی نتایج محقق نشان می دهد که اغلب آنها مجردند (۷۱ درصد). « محسنی تبریزی ، ۱۳۷۰: ۲۲۵ » .

فصل پنجم :

نتیجه گیری و پیشنهادها

چند سوال و پاسخ به آن

آیا بین هوش و کنترل خشم در دانش آموزان دبیرستانی پسر رابطه وجود دارد؟

با توجه به مطالعات و یافته های موردی نویسنده و مطالعات دیگر در مورد این سوال به این نتیجه رسیدیم که: هوش با کنترل خشم رابطه دارد. یعنی کسانی که از بهره هوشی بالاتری برخوردارند در موقعیت های خشم برانگیز بر رفتار خود می توانند کنترل داشته باشند و می توانند در قیاس با بهره هوش پایین تر رفتار خود را منطقی تر انجام دهند و از کارهایی که باعث ضرر و زیان به خود و خانواده و جامعه می شود پرهیز کنند و بدون توسل به خشم و خرابکاری اموال عمومی و دیگران بتوانند امورات و مشکلات خود را از طریق مسالحه حل و بدون پرخاشگری به اهداف خود برسند. در این مورد اگر دانش آموزان باهوش به اینگونه اعمال روی بیاورند نتیجه سیستم غلط آموزشی است که برای دانش آموزان بنا به مقتضیاتشان برنامه هایی را ترتیب نمی دهد و دانش آموز احساس بیهودگی و بطالت می کند و از بیکاری و عوامل دیگر که به تخریب اموال مدرسه، خط خطی کردن صندلی ها و حتی درگیری با دانش آموزان دیگر روی می آورد. عقب ماندگی ذهنی، اختلال کمبود توجه/بیش فعالی، اختلال سلوک، اختلالات شناختی، دلیریوم، دمانس، اختلالات پسیکوتیک، اسکیزوفرنی، اختلالات خلقی، اختلال انفجاری متناوب، اختلال انطباق با آشفتگی سلوک، اختلالات شخصیتی، همگی بر رفتار به سمت پرخاشگری تأثیر دارند. نتایج پژوهشی که توسط دربی^{۴۰}، دوپین^{۴۱}، پوز، مرسی و یروفورتین^{۴۲} انجام یافته نشان داده که رفتار خرابکارانه و پرخاشگری، از شاخص های مهم پاره ای از اختلالات روانی، مانند اختلال سلوک و اختلال فزون کنشی و اختلال شخصیت ضداجتماعی به شمار می آید. پاره ای دیگر از پژوهش ها نشان داده اند که رفتار خرابکارانه و پرخاشگرانه با بیماریهای

Dery: ۴۷

Toupin: ۴۸

Mercier and fortin: ۴۹

جسمانی مانند بیماری قلب و عروق و سردرد تنشی (ماترازو^{۴۳}، کاتکات، پریچارد^{۴۴}، ۲۰۰۰) نیز ارتباط دارد (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۶-۱۳۷).

آیا بین تمایل به رفتارهای وندالیسمی و کنترل خشم در دانش آموزان دبیرستانی پسر رابطه وجود دارد؟

با توجه به مطالعات و یافته‌های موردی نویسنده و مطالعات دیگر در مورد این سوال به این نتیجه رسیدیم که: آنان که کنترل خشم ضعیف دارند، کمتر می‌توانند در موقعیت‌های خشم برانگیز مقاومت کنند و رفتار تخریب‌گرانه (وندالیسمی) را در خانواده و اجتماع نشان می‌دهند، و بیشتر در برابر این گونه رفتار آسیب‌پذیرند و این باعث می‌شود که محققین به این نتیجه برسند که برای جلوگیری و پیشگیری از این گونه رفتار (مخرب به حال خود، خانواده و اجتماع) باید پرخاشگری را به گونه‌ای مثبت هدایت کرد و شخص بتواند بر آن کنترلی بدست آورد و این کنترل از نوع درونی باید باشد نه این که فشار محیطی و بیرونی باعث آن شود تا به قولی می‌توان گفت که آن رفتار مهار شده است. والدینی که کودکان خود را کتک می‌زنند معمولاً خود نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. تحقیق مذکور یک الگوی متشکل از سه نسل سوء رفتار نسبت به کودکان را در برخی از خانواده‌ها آشکار کرده است (اللهیاری، ۱۳۷۶: ۳۱-۳۰). شیوه مهم دیگر برای کاهش پرخاشگری عبارت است از منزوی کردن این واکنش و ممانعت از کامیابی آن است. در یک پژوهش، محققان پسر جوانی را که بسیار عصبانی بود و می‌رفت که به پرخاشگری دست بزنند در یک اتاق تنها نگه داشتند، در این هنگام پسر که در حالت عصبانیت بود و کاری نمی‌توانست انجام دهد و فقط هنگامی می‌توانست از اتاق خارج شود که عصبانیتش رفع شده باشد. بدین ترتیب گذر زمان می‌تواند از فراوانی وقوع رفتار نادرست بکاهد. اگر رفتارهای نامطلوب ماجراجویانه که پاداش دریافت می‌کنند با بی‌اعتنایی مواجه شده و در مقابل به رفتارهای مطلوب پاداش داده شود، از میزان وقوع پرخاشگری کاسته می‌شود. در

Materazzo: ۵۰

Cathcart & Pritchard: ۵۱

نهایت به نظر می رسد بهترین شیوه آن است که کودکان بیاموزند چگونه پرخاشگری را تحت کنترل درآورند تا از وقوع رفتارهای نادرست و حتی خرابکارانه پرهیز کنند و دست به اعمال وندالیسمی در موقعیت های پرخاشگرانه نزنند (فرجاد، ۱۳۷۴ : ۱۷۲-۱۷۱).

آیا بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و کنترل خشم در دانش آموزان دبیرستانی پسر رابطه وجود دارد؟

با توجه به مطالعات و یافته های موردی نویسنده و مطالعات دیگر در مورد این سوال به این نتیجه رسیدیم که: در خانواده هایی که والدین آنها دارای شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه (قاطع و اطمینان بخش) هستند پسران آنها دارای پرخاشگری کمتری هستند. یعنی اینکه می توانند بر خشم خود فائق آمده و در مواقع خشم برانگیز نه تنها اینکه پرخاشگری نکنند بلکه آن را کنترل نیز نمایند و دست به تخریب اموال عمومی نمی زنند. مهری گلچین در پژوهشی نشان داد که هرچه سطح عملکرد خانواده بهتر و مطلوب تر باشد تمایل به پرخاشگری در نوجوانان کمتر مشاهده می شود. به گفته فرناز رحمانی و دیگران (۱۳۸۴) کمترین مشکلات رفتاری مربوط به شیوه ی تربیتی اقتدارگرا می باشد. صدر السادات و دیگران در یافته اند که بین شیوه ی فرزندپروری اقتدارطلبانه با اختلالات رفتاری کودکان، رابطه منفی معنی دار وجود دارد. به نظر دایانا باوم ریند کودکان والدین قاطع و اطمینان بخش رشد نسبتاً خوبی دارند؛ بشاش اند، از نظر اجتماعی مسؤل و متکی به خود، رو به پیشرفت بوده و با بزرگسالان و همسالان همکاری می کنند.

لامبورن^{۴۵} به این نتیجه رسید نوجوانی که والدین خود را به عنوان قاطع و اطمینان بخش طبقه بندی کرده بودند، بالاترین نمره را در کفایت اجتماعی، و پایین ترین نمره را در مقیاس اختلال روانی - رفتاری کسب کردند. بالدوین^{۴۶} در پژوهشی به این نتیجه رسید که نگرش های پذیرنده و دموکراتیک (اقتدارطلبانه) والدین، امکان رشد را به حداکثر می رساند، و فرزندان این والدین، رشد ذهنی، ابتکار، امنیت عاطفی و نظارت فزاینده ای را نشان می دهند، نوآک، کرو

اولاه^{۴۷} نشان داده اند که شیوه تربیتی مقتدرانه با کمترین میزان مشکلات رفتاری ارتباط دارد، به نظر می رسد که این روش از بهترین شیوه های تربیتی باشد. بیرنه، هادوک و بوستون^{۴۸} نشان داده اند فرزندان که والدینشان ارتباط باز و مثبتی را با آنها برقرار کرده، در عین حال استقلال و آزادی شایسته ی سن نوجوان را به او می دهند، کمتر دچار مشکلات رفتاری می شوند. اشتینبرگ^{۴۹} و همکاران به اجمال بیان کرده اند که مزایای مسلم برای نوجوانان در خانواده های مقتدر بوجد می آید. علیزاده و آندریس (۲۰۰۹) در پژوهشی روابط متقابل شیوه های فرزندپروری و اختلال فزون جنبشی همراه با نقص توجه را مورد بررسی قرار دادند، نتایج نشان داد رابطه منفی بین اختلال فزون جنبشی همراه با نقص توجه، و شیوه فرزندپروری مقتدرانه وجود دارد. پژوهشهایی که در این راستا انجام شده نشان می دهند والدینی که از شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه استفاده کرده اند فرزندان آنها دارای مهارتهای اجتماعی، شایستگی بالا و رشد اجتماعی خوب، و اختلالات رفتاری کمتری دارند. زیرا خانواده هایی که از شیوه فرزندپروری مقتدرانه استفاده می کنند این الگوهای رفتاری را در محیط خانواده آموزش می دهند. علایق و ویژگیهای خاص کودک را می شناسند و به نظرات آنها احترام می گذارند. (علیزاده و آندریس، ۲۰۰۹).

Noak-Croulah: ۵۴

Beirneh-Haduk-Boston: ۵۵

Schteinberg: ۵۶

آیا بین سبک فرزندپروری مستبدانه و کنترل خشم در دانش آموزان دبیرستانی پسر رابطه وجود دارد؟

با توجه به مطالعات و یافته های موردی نویسنده و مطالعات دیگر در مورد این سوال به این نتیجه رسیدیم که: بین شیوه فرزندپروری مستبدانه والدین با رفتار خرابکارانه (وندالیسمی) همراه با پرخاشگری دانش آموزان پسر رابطه معنی دار وجود دارد. بدین معنی که شیوه مستبدانه فرزندپروری والدین سبب افزایش پرخاشگری دانش آموزان آنها می شود. نتایج بدست آمده فوق با پژوهش صدرالسادات و دیگران پی برده اند که در خصوص رابطه بین شیوه های فرزندپروری و کارکرد خانواده در خانواده دارای اختلال رفتاری، خانواده کودکان بد سرپرست و خانواده کودکان عادی انجام شد همخوانی دارد. در گروه خانواده عادی، اختلالات رفتاری کودکان با شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه رابطه مثبت معنی دار وجود داشت. تحقیقات فطین حور نشان داد مادران کودکان مبتلا به اختلال های رفتاری در استفاده از شیوه فرزندپروری مستبدانه تفاوت معنی داری با مادران کودکان بهنجار دارند. مادران کودکان دارای اختلال رفتاری شیوه مستبدانه را به کار می برند. کوپراسمیت در تحقیقات خود نشان داد فرزندان والدین دارای شیوه مستبدانه تمایل به کناره گیری از اجتماع دارند. این فرزندان فاقد خودانگیختگی خواهند بود پسران آنها پرخاشگر می شوند. برخی بررسی ها نشان دهنده رابطه ی بین عملکرد مستبدانه والدین با رشد عزت نفس پایین در پسران می باشد. بالدوین در پژوهشی به این نتیجه رسید که والدین طرد کننده و سلطه جو فرزندان متزلزل، سرکش، پرخاشگر، و ستیزه جو و خرابکار دارند. استرومونت و ملیاوزنتال^۵ (۱۹۹۵) نتایج تحقیقاتشان حاکی از آن بود که دانش آموزان بیش فعال، و بیش فعال با خشونت دارای والدینی بودند که بسیار محدود کننده بودند. تحقیقی که پریور بر روی ۱۷۵ کودک ۸ تا ۱۲ ساله، دارای رفتاری پرخاشگرانه انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که از عوامل پرخاشگری، شیوه های فرزندپروری خشن است. دونگ و هونگ (۱۹۹۷) پژوهشی را در مورد شیوه های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه و عملکرد تحصیلی و اجتماعی دانش آموزان انجام داد. نتایج تحقیق این

گونه ذکر شد که شیوه استبدادی با پرخاشگری رابطه مثبت داشت. با پذیرش، مقبولیت همسالان، خلاقیت، کفایت اجتماعی و پیشرفت تحصیلی رابطه منفی داشت. در عوض شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه با شاخص هایی از قبیل سازگاری اجتماعی و تحصیلی رابطه مثبت داشت. علیزاده و آندریس (۲۰۰۹) نشان دادند که رابطه مثبت بین اختلال فزون جنبشی همراه با نقص توجه با شیوه فرزندپروری خودکامه (مستبد) وجود دارد. یعنی هرچه شیوه فرزندپروری خودکامه و مستبد باشد اختلال فزون جنبشی همراه با نقص توجه در کودکان بیشتر است. نتایج این پژوهش و پژوهش های دیگری که در این راستا انجام شده نشان می دهد، والدینی که از شیوه فرزندپروری استبدادی استفاده می کنند فرزندان آنها دارای پرخاشگری و رفتار خرابکارانه بیشتری هستند این والدین کمترین مهرورزی نسبت به کودکان خود دارند و به تلاش های کودکان برای جلب حمایت و توجه والدین، بی تفاوت هستند. والدین برای کنترل کردن کودکان از شیوه ایجاد ترس استفاده می کنند. (علیزاده و آندریس، ۲۰۰۹).

آیا بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه و کنترل خشم در دانش آموزان دبیرستانی پسر رابطه وجود دارد؟

با توجه به مطالعات و یافته های موردی نویسنده و مطالعات دیگر در مورد این سوال به این نتیجه رسیدیم که: بین شیوه فرزندپروری سهل گیرانه والدین با پرخاشگری دانش آموزان پسر رابطه معنی دار نمی باشد. به عبارتی شیوه فرزندپروری سهل گیرانه والدین رابطه معنی داری با پرخاشگری دانش آموزان ندارد. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات انجام شده زیر همسومی باشد: علیزاده و آندریس (۲۰۰۹) نتایج تحقیقات آنان نشان داد بین شیوه فرزندپروری سهل گیرانه والدین با اختلال بیش فعالی همراه با کمبود توجه کودکان رابطه معنی داری وجود ندارد. تحقیقات اوشا برهمند (۱۳۸۱) که در مورد رابطه ی بین مزاج و شیوه فرزندپروری و مشکلات رفتاری میان کودکان انجام گرفت نشان داد که مادران کودکان دارای مشکلات رفتاری سهل گیرتر از مادران کودکان فاقد مشکلات رفتاری نیستند، با مروری بر مطالعات و تحقیقات قبلی در می یابیم که عدم تأیید این فرضیه با اکثر تحقیقات قبلی همخوانی ندارد. تحقیقات باوم ریند (۱۹۶۷) نشان داد که کودکان والدین سهل گیر اغلب تکانشی و پرخاشگرند، بویژه اگر آنها پسر باشند، اغلب ارباب منش، خودمحور، فاقد خویشتن داری بوده و در پیشرفت استقلال در سطح پایینی قرار داشتند. هنریکسون و راکر^{۵۱} (۱۹۹۰) نشان دادند که نوجوانان با شیوه تربیتی بی کفایت «سهل گیر» بالاترین مشکلات رفتاری را داشتند، این کودکان در سازش با محیط دچار مشکل می شوند و گرایش به رفتار ضد اجتماعی نیز در بین آنها بیشتر دیده می شود؛ تحقیقات لوی^{۵۲} (۱۹۴۳) نشان داد که بکارگیری هر دو شیوه فرزندپروری مستبد و سهل گیر توسط مادران منجر به بروز رفتارهای پرخاشگرانه، اختلالهای اضطرابی، افسردگی و گرایشهای ضد اجتماعی و بزهکاری در کودکان و نوجوانان می شود. لامبورن و همکارانش (۱۹۹۱) در تحقیقی که در رابطه با شیوه های فرزندپروری والدین با میزان

Henricson v Racker: ۵۸

Lovie: ۵۹

مشکلات رفتاری انجام دادند باور دارند که نوجوانانی که والدینشان آزادی و استقلال بیش از اندازه اعطاء می کنند و یا هیچ نظارتی بر آنها ندارند بالاترین میزان مشکلات رفتاری را دارند. (علیزاده و آندریس، ۲۰۰۹).

پیشنادهای کاربردی

تمام تلاش والدین باید بر این اصل مبتنی باشد که فضای خانه و خانواده را جهت تعلیم و تربیت نوجوانان سرشار از امنیت، محبت و آرامش نمایند. مهمترین عامل ایجاد امنیت روانی، توجه به نیازهای روانی کودک و تأمین آنهاست. بنابراین شناخت نیازهای روانی کودک از تشکیل نطفه و بدو تولد و ایجاد فضای مناسب در دوران شیرخوارگی از اهمیت خاصی برخوردار است. توصیه می شود والدین بین خود و کودک فضایی ایجاد نمایند که کودک بتواند آزادانه احساسات، افکار و نگرانی های خود را بدون احساس ترس از طرد شدن در میان بگذارد. همچنین به واحد انجمن اولیاء و مربیان ادارات آموزش و پرورش توصیه می گردد با برگزاری کلاس های آموزش خانواده شیوه های مناسب تربیتی را آموزش دهند.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- آزاد، حسین، *آسیب شناسی روانی*، جلد ۲، انتشارات پیام نور، چاپ ششم، ۱۳۸۲
- آزاد فلاح، پرویز، *کودکان پرخاشگر*، مجله پیوند، انتشارات اولیاء و مربیان، شماره ۱۶۲-۱۶۳، فروردین واردیبهشت ۱۳۷۲
- ارونسون، الیوت، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه: دکتر حسین شکرکن، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۵،
- الستی، محمد علی، *وندالیسم*، نشریه ایران، ۱۳۸۲/۴/۱۷
- افروز، غلامعلی، *روانشناسی تربیتی*، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۲
- بر کوویتز، لئونارد، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه: محمد حسین فرجاد و عباس محمدی اصل، انتشارات اساطیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۲
- پاشاشریفی، حسن، *روانشناسی هوش و سنجش آن*، انتشارات پیام نور، چاپ پنجم، ۱۳۸۲
- پیکهات، کارل، *کلیدهای تربیت در خانواده های تک سرپرست*، ترجمه سارا رئیسی طوسی، انتشارات مؤسسه صابرین، چاپ اول، ۱۳۷۹
- تنه کار، محسن، *اشتباهات والدین در تربیت فرزندان*، نشر نسیم حیات، ۱۳۸۹
- دلاور، علی، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: نشر روان، ۱۳۸۸
- دلاور، علی، *روش های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*، انتشارات پیام نور، چاپ نهم، ۱۳۷۹
- راس، فیلیپ، *رشد انسان*، ترجمه: مهشید فروغان، تهران، انتشارات ارسباران، چاپ دوم، ۱۳۸۷
- روزنهان، دیوید، *ال، سلیگمن، مارتین. ای. پی، آسیب شناسی روانی*، جلد دوم، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، نشر ارسباران، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۵
- ژانورن، پاتریس، *وندالیسم بیماری جهانی و خرابکاری*، ترجمه: ماهان فرخ، مجله دانشمند، شماره ۲۹۹، ۱۳۶۷
- سخاوت، جعفر، *جامعه شناسی و انحرافات اجتماعی*، انتشارات پیام نور، چاپ نهم، ۱۳۸۲
- شعاری نژاد، علی اکبر، *روانشناسی رشد*، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۰
- شکر بیگی، عالییه، محمدی راد، *فاطمه، بررسی علل و عوامل نظری وندالیسم در میان جوانان*، ۱۳۸۵

شمسه، مجید، وندالیسم اعتراض به جامعه، نشریه اصلاح و تربیت، سال اول، شماره ۹: ۱۳۸۰: ۱۸-۱۷

صافی، احمد، صافی، ناصر، پرخاشگری کودکان و نوجوانان و نقش والدین و مدارس در پیشگیری و کاهش آن، مجله پیوند، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، شماره ۲۳۳، اسفند ۱۳۸۰
فرجاد، محمدحسین، رو در رو با مشکلات و اختلالات روانی و رفتاری در خانواده، انتشارات بدر، ۱۳۷۴

فیست، جس، جی فیست، گریگوری، نظریه های شخصیت، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر روان، چاپ سوم، ۱۳۸۷

کریمی، یوسف، روانشناسی اجتماعی، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۹
محسنی تبریزی، علیرضا، بررسی وندالیسم در تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴

محسنی تبریزی، علیرضا، مبانی روانشناسی اجتماعی، تهران، مجله رشد، شماره ۱۳۷۰، ۱۶۴
محمدی، نورالله، بررسی مقدماتی شاخص های روان سنجی پرسشنامه پرخاشگری باس پری، انتشارات دانشگاه شیراز، شماره چهارم، ۱۳۸۵

منصوریان، خسرو، من های سرکوب شده، نشریه اعتماد، ۱۳۸۴/۲/۲۹
هرگنهان، بی. آر، اولسون، متیو، نظریه های یادگیری، ترجمه: علی اکبرسیف، تهران، نشر دوران، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷

هومن، حیدرعلی، خانواده های ایده آل و تایید کننده و خانواده های طرد کننده، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۵۸

پایان نامه ها

اللهیاری، عباسعلی، تعیین پرخاشگری نوجوانان بر حسب مقوله های شخصیت و بررسی رابطه این مؤلفه ها و سطح پرخاشگری با مؤلفه های شخصیتی پدران و تاثیر شیوه های درمانگری
تنیدگی زدائی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶

لیل آبادی، لیدا، بررسی و مقایسه ویژگیهای شخصیتی و شیوه های فرزندپروری مادران عادی و مبتلا به اختلال سلوکی در مدارس ابتدائی پسرانه شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۵

منابع انگلیسی

- Albert;Bandura;(۲۰۰۷);tran smission of aggression through imitation if aggressive ;journal of bnorman and soviaal models psychology
- Alizadeh H.and andries;(۲۰۰۹) In teraction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents.Child and family behavior therapy.۲۵;۳۲_۵۲
- Baumrind;D.(۲۰۰۸).Current patterns of parental authority; Developmental Psychology monographs;۶;۱_۱۰۲
- Tracking (۲۰۰۶)R Clarke A; vandalism Home Office Research unit Report;vol;II

ضمائم

پرسشنامه کنترل خشم راتر

شما و خشم

انسان موجودی سلطه طلب و خطرناک است، شاید یکی از خطرناکترین موجودات روی زمین، این موجود از ترکیب تواناییهای ذهنی و تناسب عضلانی و چالاکی خویش توانسته است با مهارت اما بی رحمی به چنین مرتبتی از قدرت دست یابد. اما حتی همین ویژگیها به تنهایی ضامن استیلا و بقای او نیستند. در ورای همه اینهان نیروی عظیم و پویا نهفته است که او را به رقابت، پیروزی و موفقیت سوق می دهد.

هرگاه سدی در برابر این نیرو قرار گیرد، و یا جریان آن به نحوی مختل شود؛ این نیروی نهفته به جای آنکه تحلیل برود، وسعت می یابد و تقویت می گردد. نتیجه این تقویت، خشم است. متأسفانه در حالیکه نیروی نهفته در رفتار خشمگینانه، ضامن رقابت انسان با جهان پیرامونش است و او را از کناره گیری و انزوا برحذر می دارد اما ریشه در سیر تکاملی گذشته ما دارد و با تواناییهای ارشمند ذهنی ما بی ارتباط است. به همین دلیل نیز وقتی خشم عرصه تاخت و تاز می یابد، عقل سلیم، آداب پسندیده، احترام به قانون و جامعه به باد فراموشی سپرده می شود.

این پرسشنامه برای تعیین میزان کنترل شما بر خشم و چیرگی خشم بر شما طراحی شده است. خشم می تواند سازنده یا مخرب باشد. آیا جلوی خشم خود را می گیرید؟ دکتر روانشناس آنتونی استور یادآوری می کند که (خشم سرکوب شده، می تواند به شکل افسردگی، تنش و یا بیماری های جسمی تظاهر کند.

پرسشهای زیر را که در سه بخش ارائه شده است، با دقت پاسخ دهید:

بخش اول : تا چه اندازه احساس خشم می کنید؟

کدام یک از جمله های زیر بیشتر در مورد شما صدق می کند.

۱- الف - بارها حتی بر سر جزئی ترین مسائل خشمگین می شوم. می دانم گاهی اوقات مقصر هستم، اما با این وجود عذرخواهی برایم دشوار است.

ب - به آسانی خشمگین نمی شوم اما وقتی هم از کوره در می روم، معمولاً کمی احساس شرمندگی می کنم.

ج - خشمگین نمی شوم، در واقع هرگز احساس خشم نمی کنم و وقتی دیگران رفتاری این چنین احمقانه و کودکانه دارند، ناراحت می شوم.

۲- الف - از تماشای صحنه های خشونت آمیز فیلمها لذت می برم، خودم، اشیاء را به این طرف و آن طرف پرتاب نمی کنم اما وقتی این خشونت در دنیای واقعی صورت می گیرد، به نوعی احساس رضایت می کنم.

ب - همانگونه که از صحنه های خشن زندگی بیزارم، از صحنه های خشونت بار فیلم ها نیز خوشم نمی آید.

ج - با مشاهده صحنه های خشونت آمیز فیلمها خود را به جای افرادی که در صحنه ها هستند تصور می کنم. در واقع گاهی اوقات با الگوبرداری از آن صحنه ها خشمم را در زندگی خودم بروز می دهم.

۳- الف - وقتی عصبانی می شوم، داد و فریاد راه می اندازم و به همه نشان می دهم چقدر خشمگین هستم.

ب - وقتی عصبانی می شوم، سکوت می کنم و هیچ حرفی بر زبان نمی آورم.

ج - سعی می کنم عصبانی نشوم. به جای آن تلاش می کنم تا درباره آنچه که مایه رنجش و زحمت من شده است، کاری انجام دهم.

۴- الف - وقتی احساساتم جریحه دار می شوند، باید چند ساعتی بگذرد تا بتوانم در باره اش صحبت کنم.

ب - وقتی احساساتم جریحه دار می شوند، بلافاصله آن را عنوان می کنم.

ج - وقتی احساساتم جریحه دار می شوند، آنچنان وجودم را متلاشی می کند که شاید هرگز کلامی در باره اش به میان نیآورم.

۵ - الف - افراد خشمگین مرا می ترسانند. همیشه سعی می کنم آنها را آرام کنم و یا از سر راهشان کنار بروم.

ب - وقتی کسی با من با عصبانیت برخورد می کند به سخنانش گوش می دهم و سعی می کنم آرامش کنم تا بتوانیم با هم گفتگو کنیم.

ج - از افراد خشمگین نمی ترسم. از مشاجره یا بگو مگو با آنان لذت می برم.

بخش دوم : خشم در روابط شخصی

این بخش می کوشد تا به طور نسبی تمایل شما را در ابراز خشم در روابط شخصی بسنجد. گاهی اوقات، افراد به طرز عجیبی متناقض هستند، مثلاً در محیط کار، فروتن و بردبار و در خانه عصبانی و خشمگین هستند و یا بر عکس.

۶ - آیا با همکار، افراد خانواده یا دوستان نزدیک خود بگو مگو می کنید .

الف - اغلب ب - گاهی ج - هرگز

۷ - اگر دوست شما بی وفایی کرد، آیا می خواهید :

الف - طرف ثالثی را مورد حمله قرار دهید؟

ب - کاری کنید تا او احساس گناه و بدبختی کند؟

ج - کل قضایا را نادیده بگیرید؟

۸ - آیا معتقدید آنچه را که فکر می کنید، دقیقاً بر زبان آورید؟

الف - بله ، همیشه

ب - نه، در گفتن مطالب منفی بسیار محتاط هستید.

ج - اگر بیان آنچه را که در فکر دارید، موجب دردسر شود، بر زبان نمی آورید؟

۹ - پس از صرف مقداری چای یا نوشیدنی آیا :

الف - معمولاً احساس نشاط و آرامش می کنید؟

ب - ساکت و افسرده می شوید؟

ج - تند و خشن می شوید و مطالبی می گو یید که در موقع هشیاری بر زبان نمی آورید؟

۱۰ - آیا به هنگام عصبانیت، کودکی را کتک زده اید؟

الف - بله، چندین بار ب - فقط گاهی اوقات تحت عصبانیت شدید ج - نه، هرگز

۱۱ - در بگو در محیط خانه، آیا اشیاء را به اطراف پرتاب می کنید؟

الف - بله، گاهی ب - فقط وقتی که پس از دعوا، تنها هستید. ج - نه، هرگز چنین نکرده اید.

۱۲- کاری انجام داده اید که می دانید معلم یا بهترین دوست شما را خشمگین خواهد کرد و لیکن تصور نمی کنید رفتار بدی داشته اید. آیا :

الف - درباره اش سکوت اختیار می کنید؟

ب - به آنها می گوئید و پذیرای خشمشان می شوید؟

ج - به شدت به آنها اعتراض می کنید؟

۱۳- معلم یا دوست شما به طور مرتب درباره موضوعی نق می زند، آیا:

الف - از کوره در می روید و بعد بلافاصله آرام می گیرید؟

ب - هر بار که موضوعی پیش می آید، جر و بحث می کنید؟

ج - تحمل می کنید اما مدتی طولانی احساس خشم می کنید؟

۱۴- آیا فکر می کنید که خشم، عشق و محبت را از بین می برد؟

الف - بله ب - نه، یک دعوی خوب، می تواند عشق را تقویت کند. ج - لزوماً خیر، اما می تواند چنین شود.

۱۵- وقتی در محیط کار یا خارج از خانه، اوقات سخت و اعصاب خردکنی داشته اید، آیا دق دلی خود را بر سر افراد نزدیک خود خالی می کنید؟

الف - هرگز

ب - اغلب

ج - سعی می کنید چنین نکنید، اما گاهی اوقات نمی توانید جلوی کج خلقی های خود را بگیرید.

بخش سوم : خشم در موقعیت های اجتماعی

ابراز خشم خارج از محدوده روابط نزدیک شخصی برای مردان آسانتر است تا زنان، در اینجا به این نکته پی می برید که تا چه حد در مقابل افرادی که آنها نمی شناسید، خشم خود را کنترل می کنید.

۱۶- وسیله ای نو و گران قیمت خریداری کرده اید که پس از یک هفته خراب می شود، آیا:

الف - به فروشگاه محل خرید تلفن کرده و سعی می کنید به طرزی منطقی باشید.

ب - از فرد دیگری می خواهید تا شکایت شما را به گوش آنها برساند.

ج - نامه های خشم آلود می فرستید و یا شخصاً تلفن می کنید تا با لحنی شدید و تند با مدیر فروشگاه صحبت کنید.

۱۷- به خاطر آنکه فرد جلوتر از شما از متصدی فروش بلیط سؤالهای زیادی می پرسید و در پرداخت پول خیلی معطل کرد، شما از سوار شدن به اتوبوس که خصوصاً برای آن ساعت در نظر گرفته بودید، بازمانده اید. آیا :

الف - احساس خشم کرده اما حرفی بر زبان نمی آورید؟

ب - به او می گوئید که این پا و آن پا کردن او موجب تأخیر شما شده است.

ج - به این واقعه نیز مانند یکی از وقایع پرشمار زندگی اعتنایی نمی کنید.

۱۸- با صدای بلند موسیقی که از خانه همسایه شنیده می شود، ظرف دو هفته برای سومین بار ساعت سه بامداد بی خواب می شوید. آیا :

الف - یگراست به سراغشان رفته و فریاد می زنید که خفقان بگیرند؟

ب - صبح، یادداشت مؤدبانه ای به زیر در می اندازید؟

ج - عصبانی می شوید اما کاری انجام نمی دهید؟

۱۹- آیا در محیط کاری خود هرگز خشم خود را نشان داده اید؟

الف - بله، بیشتر نسبت به کسانی که زیر دستم کار می کنند.

ب - بله، بیشتر نسبت به کسانی که از نظر کاری مافوق من هستند.

ج - به هیچ وجه

۲۰- آخرین باری که در سینما فیلمی دیدید که در نظر شما بسیار توهین آمیز می آمد، آیا :

الف - سالن را ترک کرده اید؟

ب - تا انتها فیلم را تماشا کردید؟

ج - به مدیریت شکایت کردید، یا در روزنامه محلی خود مطلبی نوشتید، و یا اعتراض خود را به شکلی عمومی بیان کرده اید.

۲۱- در صف طولانی بانک، کسی خودش را جلوتر از شما در صف جا می کند، آیا :

الف - به شانه اش می زنید و می گوئید به ته صف برود؟

ب - چیزی نمی گوئید جز اینکه به او خیره نگاه کنید؟

ج - با صدای بلند به فرد دیگری شکایت می برید؟

۲۲- اگر گارسون یک رستوران گرانقیمت، سس را بر روی شما بریزد، به او چه می گوئید؟

الف - (صادقانه) می گوئید ایرادی ندارد.

ب - (با دندانی فشرده به هم) می گوئید ایرادی ندارد.

- ج - احمق بی شعور، هزینه خشکشویی را باید پرداخت کنی.
- ۲۳- علی رغم وقت قبلی که با دکتر دارید، همچنان منتظر مانده اید، برای کاری دیگر نیز عجله دارید. پس از بیست دقیقه انتظار، آیا :
- الف - همچنان منتظر می مانید؟
- ب - مؤدبانه توضیح می دهید که باید بروید و وقت دیگری می گیرید؟
- ج - با صدای بلند شکایت کرده و آنجا را ترک می کنید؟
- ۲۴- اگر مغازه داری به شما گستاخی کند :
- الف - گمان می کنید باید روز بدی را پشت سر گذاشته باشد و موضوع را فراموش می کنید؟
- ب - احساس می کنید به شما اهانت شده اما چیزی نمی گوئید و مصمم می شوید هرگز از آنجا خرید نکنید؟
- ج - شما هم به اندازه او گستاخی می کنید.
- ۲۵- با فرد غریبه ای که شما را تحریک می کند، درگیر یک مباحثه شده اید، آیا :
- الف - به محض اینکه موقعیت فراهم شود، به بحث خاتمه می دهید؟
- ب - کنترل اعصاب خود را حفظ کرده و با او شوخی می کنید؟
- ج - به او می گوئید که چقدر در اشتباه است.

امتیازات

(امتیازات را جمع کنید تا به تحلیل مورد نظر دست یابید)

- الف - ۵ - ب - ۳ - ج - ۱
- الف - ۱ - ب - ۳ - ج - ۵
- الف - ۱ - ب - ۵ - ج - ۱
- الف - ۱ - ب - ۳ - ج - ۵
- الف - ۵ - ب - ۳ - ج - ۱
- الف - ۱۰ - ب - ۵ - ج - ۳ - ۱
- الف - ۱۱ - ب - ۵ - ج - ۳ - ۱
- الف - ۱۲ - ب - ۱ - ج - ۳ - ۵
- الف - ۱۳ - ب - ۳ - ج - ۵ -
- الف - ۱ - ب - ۵ - ج - ۱

- (١٤) الف - ١ - ب - ٥ - ج
(١٥) الف - ١ - ب - ٥ - ج
(١٦) الف - ٣ - ب - ١ - ج - ٥
(١٧) الف - ١ - ب - ٥ - ج - ٣
(١٨) الف - ٥ - ب - ٣ - ج
(١٦-) الف - ٥ - ب - ٣ - ج - ١
(١٩) الف - ٥ - ب - ٣ - ج -
(١٩) الف - ٣ - ب - ١ - ج - ٥
(١٧) الف - ٥ - ب - ١ - ج - ٣
(٢٠) الف - ٣ - ب - ١ - ج - ٥
(٢١) الف - ٣ - ب - ٥ - ج -
(٢٢) الف - ٣ - ب - ١ - ج - ٥
(٢٣) الف - ١ - ب - ٣ - ج - ٥
(٢٤) الف - ٣ - ب - ١ - ج - ٥
(٢٥) الف - ١ - ب - ٣ - ج - ٥

تحلیل

خشم، طبیعتی پیچیده دارد و می تواند به روشهای گوناگون خود را به منصف ظهور برساند و بر روابط شخصی و اجتماعی ما تأثیر بگذارد. از این رو دقت در نمره گذاری ضروریست.

بخش اول

پرسشهای این بخش، سطح خشم آزمودنی را به هنگام تظاهر موقعیتی خشم برانگیز ارزیابی می کند. در این بخش امتیازات باید بین ۵ تا ۲۵ باشد.

۱۰-۵) بدون تردید این امتیاز پایین نشانه آن است که بنا به دلایلی آزمودنی از خشم خود و دیگران می هراسد. اگر امتیاز آزمودنی ۷ یا کمتر از آن است. شاید حتی آزمودنی بر این باور می باشد که فردی است که هرگز خشمگین نمی شود، اما احتمالاً خودش را فریب می دهد.

۱۷-۱۱) این یک امتیاز متوسط و طبیعی است. آزمودنی از خشم خود آگاهی دارد و در موقع مناسب آن را بروز می دهد. به طور کلی آزمودنی خشمگین نیست. اما از آنجا که سعی می کند منطقی باشد، ممکن است مانع از تظاهر کامل احساسات خود شود.

۱۷) بدون تردید آزمودنی هیچ مشکلی در ابراز خشم خود ندارد. بدین معنی که جلوی احساسات خود را نمی گیرد و این امر خوب است. اما ممکن است در نظر دیگران، فردی متخاصم و تهدید کننده جلوه کند، گاهی نیز ممکن است احساس کند که هیجانات وی خارج از کنترل است. آزمودنی باید مواظب باشد.

بخش دوم و سوم

پرسشهای بخش دوم، میزان کنترل یا ابراز خشم آزمودنی را در زندگی شخصی و خانوادگی نشان می دهد، و پرسشهای بخش سوم، نشانگر میزان کنترل یا ابراز خشم آزمودنی در موقعیت های اجتماعی و غیر خانوادگی است. اکنون امتیازات این دو بخش را جمع کنید.

امتیاز آزمودنی باید بین ۲۰ تا ۱۰۰ باشد. این گونه پرسشنامه ها هرگز نمی توانند تصویری کامل و دقیق ارائه دهند.

اما به طور کلی هرچه امتیاز آزمودنی بیشتر باشد، سطح آمادگی آشکار وی برای ابراز خشم بیشتر است و امتیاز پایین، سطح بالای بازداری خشم را نشان می دهد. امتیازی در این بین نشانه آن است که به طور کلی آزمودنی خشم خود را تحت کنترل دارد.

برای آنکه بیشترین بهره از این پرسشنامه گرفته شود، باید به پرسشهایی که آزمودنی پنج امتیاز از آنها کسب کرده است (خشم آشکار) و همچنین پرسشهایی که تنها یک امتیاز از آنها بدست آورده (خشم فرو نشاننده)، مراجعه شود. اگر آزمودنی مایل است کنترل بیشتری بر این بخش از

شخصیت خود داشته باشد تأمل در این زمینه ها (شخصی یا اجتماعی مفید خواهد بود. آزمودنی باید پرسشها را مطالعه کند و به دلایل خود برای خشم بیندیشد.

اگر جمع امتیازات آزمودنی در بخش دو و سه بیش از ۷۵ است. در گروه افرادی جای می گیرد که خشم خود را به طرزی آشکار بروز می دهند و اگر کمتر از ۵۰ است در میان گروهی قرار می گیرد که خشم خود را فرو می خورند. امتیاز بین ۵۱ تا ۷۴، آزمودنی را در گروه افرادی قرار می دهد که خشم خود را کنترل می کنند.

اکنون اگر آزمودنی در گروه آشکار یا فرو نشاننده قرار گرفته است باید به پرسشهای مطرح شده در صفحه بعد پاسخ دهد.

این پرسشها به منظور بررسی تسلط خشم بر آزمودنی طراحی شده اند. هر بار که آزمودنی به پرسشهای (الف)، (ب)، (ج) پاسخ مثبت می دهد، یک امتیاز برای وی منظور کنید و هر بار که به پرسشهای (د) و (ه) جواب منفی می دهد نیز یک امتیاز در نظر بگیرید، اگر مجموع امتیازات آزمودنی ۳ یا بیش از آن است، قدر مسلم خشم بر آزمودنی حکم می راند.

الف - آیا از احساسات تنش و اضطراب رنج می برید؟

بلی خیر

ب - آیا رؤیاهای مبنی بر خشونت و انتقام در سر می پروراندید؟

بلی خیر

ج - آیا فکر می کنید که خشم نشانه ضعف است؟

بلی خیر

د - آیا می توانید در برابر خشم دیگری آرامش خود را حفظ کنید؟

بلی خیر

ه - آیا هرگز از احساسات خود غافلگیر شده اید؟

بلی خیر

پیوست ۲

پرسشنامه شیوه های فرزندپروری لطفاً این جا چیزی ننویسید :

میزان تحصیلات.....میزان درآمد.....تعداد فرزندان.....شغل والدین.....

مادر گرامی : در اینجا جملاتی درباره نحوه برخورد والدین با فرزندانشان آورده شده است. لطفاً هر یک از جملات زیر را با دقت بخوانید و در مورد آنها فکر کنید، و مشخص نمایید تا چه حد با این روشها موافق هستید. سپس در مقابل هر جمله میزان موافقت خود را که از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» درجه بندی شده است، با زدن علامت تیک تعیین کنید.

ردیف	سوالات	کاملاً مخالفم	مخالفم	تقریباً مخالفم	موافقم	کاملاً موافقم
۱	والدین باید به بچه های خود اجازه دهند تا هر آنچه می خواهند انجام دهند.					
۲	بچه ها فقط باید آنچه والدینشان می گویند پیروی کنند؛ در غیراینصورت باید آنها را تنبیه کرد .					
۳	اگر به مشکلات بچه ها توجه شود این دردسر را به دنبال دارد که آنها پرورتر شده و انتظارات بیشتری از والدین خواهند داشت .					
۴	هرگاه والدین تصمیمی برای بچه ها بگیرند، باید دلایل آنها را بگویند.					
۵	اگر بچه نسبت به محدودیت ایجادشده در خانواده اعتراض کردند، والدین باید باصحت کردن آنها راقانع کنند.					
۶	والدین نباید در کارهای مربوط به بچه ها دخالت کنند، چون بچه ها به طورذاتی راه خودشان را پیدامی کنند.					
۷	اگر بچه ها کاملاً مطابق میل والدین خود رفتار کنند، درآینده افرادموفقی خواهندشد.					
۸	بچه ها باید کاری را که والدین از آنها انتظاردارند انجام دهند، اما اگر انتظارات والدین غیرقابل قبول بود باید بتوانند آن را آزادانه با والدین خود مطرح کنند.					
۹	وقتی والدین از بچه ها می خواهند تا کاری را انجام دهند، بچه ها باید بدون چون و چرا آنها را انجام دهند.					
۱۰	والدین نباید بچه ها را در منزل محدود کنند بلکه باید آنها را در منزل آزاد بگذارند تا تمام لوازم اطراف خود را دستکاری کنند.					

				هرگاه بچه ها برخلاف میل والدین رفتار کردند، والدین باید بجای تنبیه آنها را راهنمایی کنند.	۱۱
				والدین خیلی زود باید بچه ها بفهمانند که رئیس خانواده چه کسی است.	۱۲
				والدین باید در تصمیم گیریهای مربوط به خانواده فقط آنچه را که خواست بچه ها است انجام دهند.	۱۳
				اگر والدین رفتار و خواسته های بچه هارا محدود نکنند، بیشتر مشکلات حل می شود.	۱۴
				والدین باید هنگام تصمیم گیری در مورد مسائل و برنامه های خانواده نظربچه ها را دخالت دهند و از آنها نیز نظر خواهی کنند.	۱۵
				والدین باید با بچه هایی که با نظر آنها مخالفت می کنند بشدت برخورد کنند.	۱۶
				والدین باید به بچه ها اجازه دهند در کارها، خودشان تصمیم گیرنده باشند.	۱۷
				شوخی و بازی کردن بچه ها در حضور والدین توهین به آنهاست.	۱۸
				بچه ها به بازی و تفریح نیاز دارند، برای این کار والدین باید به آنها اجازه دهند هر وقت که دلشان خواست از منزل خارج شوند.	۱۹
				باید بچه ها اجازه داده شود که اگر فکر می کنند نظراتشان از نظرات والدین خود بهتر است آنرا ابراز کنند.	۲۰
				وقتی بچه ها مرتکب اشتباهی می شوند، هیچگاه نباید آنها را تنبیه کرد.	۲۱
				اگر والدین تصمیمی برخلاف میل بچه ها گرفتند در چنین مواردی باید در مورد آن با بچه ها گفتگو کنند و حتی اگر اشتباه کرده بودند آن را بپذیرند.	۲۲
				گاهی اوقات والدین باید با بچه ها سازش کنند، نه اینکه همیشه انتظار داشته باشند که بچه ها با آنها سازش کنند.	۲۳
				بچه ها را باید آزاد گذاشت تا خودشان تجربه کنند.	۲۴
				بعضی بچه ها ذاتاً بدهستند و باید طوری تربیت شوند که از والدین خود بترسند.	۲۵
				بچه ها وقتی بزرگ شوند از سختگیریهای والدین خود سپاسگذاری می کنند.	۲۶

				وقتی بچه ها دچار مشکل و دردسری شوند(کار خطایی انجام می دهند)باید بدانند که با مطرح کردن آن مشکل برای والدین خود تنبیه نمی شوند.	۲۷
				در مجالس ومهمانیها باید بچه ها را آزاد گذاشت تا حس کنجکاوی آنها ارضاء شود.	۲۸
				بچه ها جدی و کوشا نخواهند شد،مگر اینکه درباره کارهای آنها سختگیری کنیم.	۲۹
				اگرچه بچه ها تجربه کمی دارند،اما گاهی اوقات نظر آنها بهتر از والدین است.	۳۰

